



ارائه نظام زیبایی‌شناسی فلسفی - حکمی در معماری اسلامی

چکیده:

سنت‌گرایی هم‌چون گفتمانی غالب در ابعاد مختلف اجتماعی تا پیش از ظهور دوران مدرن بوده که با طی کردن روند تکامل تدریجی، شالوده‌ای تجربی و دینی داشت. بعد از دوران مدرن و نفی داشسته‌های وحیانی و سنت‌های برخاسته از آن، سنت‌گرایان فلسفی معاصر با رجعت به اصول سنت، سعی در ایجاد گفتمان‌های پاسخ‌گو به شرایط انسان معاصر کردند. از جمله در هنر و زیبایی‌شناسی مدرن که رابطه‌شناسی هنر با ادیان ابراهیمی در کلام سنت‌گرایان، حجم قابل توجهی از پژوهش‌هایشان را شامل می‌شود. هدف این پژوهش، دست‌یابی به الگویی زیبایی‌شناسانه بر اساس تطبیق دیدگاه‌های ایشان با حکمت معماری اسلامی است. پژوهش بنیادین و کیفی حاضر، تلاش کرده است شاخص‌ترین دیدگاه‌های سنت‌گرایان فلسفی معاصر را از منابع کتابخانه‌ای و به‌شیوه‌ای تحلیلی - تفسیری در رابطه با زیبایی‌شناسی، مورد بازشناسی قرار دهد. با توجه به این که سنت‌گرایان فلسفی، نمایندگان یکی از تفکرات حکمت اسلامی در معماری نیز هستند، تلاش گردیده با ارائه الگویی گفتمان پایه، بهره‌گیری از آن در فرایندهای طراحی یا ارزیابی عناصر و ابنیه معماری با توجه به ارزش‌های حکمت اسلامی، تسهیل گردد.

واژگان کلیدی: سنت‌گرایی، جاودان‌خرد، زیبایی‌شناسی، حکمت، معماری اسلامی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

هادی فرهنگ‌دوست

(نویسنده مسئول)، کارشناس ارشد معماری اسلامی، دانشکده هنر و معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام رضا ع، مشهد، ایران.

Email:

h.farhangdoust@imamreza.ac.ir

علیرضا باوندیان

دکتری پژوهش هنر، استادیار دانشکده هنر، دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران.

Email: bavandian@neyshabur.ac.ir

حسین کوهستانی اندرزی

دکتری باستان‌شناسی، استادیار دانشکده هنر، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

Email: hkoohestani@birjand.ac.ir

مقدمه

سنت‌گرایی پدیده‌ای مدرن است. آن زمان که ترکش‌های مدرن اندیشی، بنیان‌های سنتی را در سراسر جهان یک‌به‌یک هدف قرار می‌داد و جوامع انسانی را با داشته‌های فرهنگی و بضاعت معنوی خویش بیگانه می‌کرد، سنت‌گرایان پدید آمدند (حجت، ۱۳۹۱: ۷۰-۸۱). سنت‌گرایان معتقدند تنها، شارع مقدس و ادیان الهی، صلاحیت لازم برای ارائه مسییر و چارچوب و حیانی برای انسان دارای شعور انسانی و حیات معنوی دارند. «سنتی که سنت‌گرایان می‌ساختند، همان سنتی نبود که مدرنیست‌ها از میان می‌بردند؛ مدرنیست‌ها، سنت‌های بومی و مذهبی سرزمین‌ها را هدف گرفته بودند و سنت‌گرایان، سنتی متفاوت را جای‌گزین می‌کردند: سنت بین‌المللی در برابر مدرنیسم بین‌الملل. هر چند که سنت‌گرایان با سنت‌های بومی و سرزمینی مخالفتی نداشتند، ولی این سنت‌ها را بازتابی از سنت جاودانه خویش می‌پنداشتند. سنت‌گرایان، آن‌گاه که از تبیین و تدوین اصول و مبانی سنت‌گرایی فارغ شدند، اندک‌اندک پای را از میدان اندیشه و اعتقاد فراتر و قدم به عرصه فرهنگ و هنر و معماری نهادند. این اندیشمندان تا به آن‌جا پیش رفتند که از هنر مقدس و معماری قدسی سخن گفتند؛ برای پاره‌های اشکال هندسی مانند ماندالا، تقدس قایل شدند و بعضی از عناصر ساختمانی چون گنبد و منار را نشانه جمال و جلال الهی خواندند» (همان، ۱۳۹۴: ۶).

انسان معاصر که در حیات معنوی خود به جنبه‌های مختلفی از محیط آگاهی پیدا کرده است، برای پاسخ‌گویی به این‌گونه مسایل، به دنبال انتخاب چارچوب‌های کلی، برای تنظیم جنبه‌های جزیی است. سنت‌گرایان معاصر با درک چنین نیازی (تطبيق محتوای سنت با نیازهای فوق)، دست به پژوهش‌هایی زده‌اند که خود را در قالب‌های متنوعی هم‌چون کتاب، مقاله، سخنرانی و ... آشکار کرده است؛ به نظر می‌رسد «نظریه پردازان اصلی جریان فکری «سنت‌گرایان معاصر»، اهتمام فراوانی نسبت به اهمیت هنر و زیبایی‌داشته و به طور مستقیم یا ضمنی در آثار خود، به زیبایی‌شناسی هنرهای دینی از جمله هنر اسلامی پرداخته‌اند» (تیموری، ۱۳۹۴: ۱۱). از دیگر سوی، پراکندگی موضوعات موردنیاز برای پاسخ‌گویی سنت‌گرایان، باعث کاهش گفتمان‌شناسی، نقد و بررسی یا گسترش گفتمانی آن، شده است. به دیگر سخن، «وقتی درباره دین و هنر حرف می‌زنیم، باید دقت بیش‌تری به خرج دهیم؛ چراکه این‌ها مفاهیم وسیع هستند و اگر دقت کافی مبذول نکنیم به افکار مبهم و مغشوش فرومی‌افتیم» (لیمن، ۱۳۹۳: ۱۰). پژوهش حاضر، با درک ضرورت و جایگاه

زیبایی‌شناسی در هنر از یک سو، و نقش کیفیت‌آفرینی معماری خصوصاً در حیات معنوی انسان معاصر، شکل گرفته است. تلاش شده، ضمن بهره‌گیری از چارچوبی مناسب برای سازمان‌دهی این پراکنده‌گویی‌ها و بیان‌های ضمنی و تلویحی آن‌ها، روش پژوهش به گونه‌ای باشد که مراحل به‌صورت تحلیلی، تفسیر کیفی طی گردیده، سپس، یافته‌ها دسته‌بندی و در قالب چارچوب فرایندی، بازنمایی و ارائه شود. هدف از ارائه چنین چارچوبی، فرایند‌نگاری نظیر به نظیر بین جنبه‌های مختلف گفتمان زیبایی‌شناسی به‌صورت عام، و بررسی دیدگاه سنت‌گرایان معنوی در این قالب، به‌صورت خاص است که کاربردش را می‌توان در ادراک ارتباط و جایگاه این جنبه‌ها نسبت به یکدیگر و نقش کلی آن‌ها در ایجاد گفتمان زیبایی‌شناسی سنت‌گرایان بیان کرد. هم‌چنین، با توجه به جایگاه فرایند‌پذیری روند طراحی در مطالعات طراحی پژوهی معماری معاصر (بحرینی، ۱۳۷۷: ۸۲-۹۰)، می‌توان گفت استفاده بی‌واسطه و کاهش برداشت و تفاسیر ضعیف هنری در مطابقت دادن دیدگاه سنت‌گرایان با مراحل طراحی یا نمودهای کالبدی معماری، مهم‌ترین دستاورد ارائه این گفتمان به شیوه فرایند‌نگاری شده است. نوآوری این پژوهش، در بررسی تطبیقی آرای سنت و حکمت با محوریت معماری اسلامی است.

روش پژوهش

با توجه به هدف این پژوهش، ابتدا، مفاهیم مشترک - تحت عنوان عوامل و مفاهیم هم‌نشین - بین حکمت و سنت مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد که رابطه معنی‌داری بین آن‌ها وجود دارد. رابطه سنت و حکمت، کل به جز تشخیص داده شد، زیرا سنت‌ها مفهومی عام از فرهنگ و عملکردهای فرهنگی-اجتماعی ملل گذشته گرفته، تا سنت پیامبران را شامل می‌شود؛ حال آن‌که حکمت در هر قشر و دوره‌ای از مکان و زمان، شامل تفسیر‌پذیری، معناداری در حوزه خاصی می‌شود، و اصطلاحاً این نوع از مفاهیم، زمینه‌نگر می‌باشند. در ادامه، با توجه به روش‌شناسی پژوهش جاری که از مدل کیفی و مبتنی بر بررسی منابع موجود به شیوه زمینه‌نگر و استحصالی محتوای شاخص به‌منظور دستیابی به آرای کلی است، برای تحلیل اطلاعات کتابخانه‌ای، از روش تفسیری-تحلیلی بهره گرفته شد. یعنی، ضمن تفکیک محتوایی این آرای استحصالی شده، سپس، در دسته‌بندی فرایندی (سرفصل‌های این پژوهش) ارائه شدند. در ادامه، ضمن ارائه تحلیلی از انواع تفاسیر ارائه شده پیرامون آن‌ها، تلاش گردیده به چارچوب زیبایی‌شناسی از طریق قرابت محتوایی منجر گردد.

فرهنگ و تمدن غربی و نیز توجه به تفاسیر و احیای فرهنگ دینی، دو دلیل عمده اقبال به آرا و نظرات سنت‌گرایان خصوصاً در زمینه هنر دینی و سنتی، چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن بوده است.

درباره دلایل این مقبولیت می‌توان این‌گونه بیان کرد که، هنر نزد سنت‌گرایان دارای ارزش و اعتبار فراوانی است، آن‌گونه که بخش مهمی از آثار افراد شاخص در آن، هم‌چون گنون (۱۳۸۸)، در کتاب «بحران انسان متجدد»، آنداکا، کوماراسوامی، فریتیهوف شوان، سید حسین نصر، تیتوس بورکهارت، مارتین لینگز و ... به‌گفته رحمتی (۱۳۸۳) - به هنر پژوهی مربوط می‌شود. از بُعد تنوع در جنبه‌های این آثار می‌توان به هستی‌شناسی متجلی در آثار هنری، رابطه‌شناسی (هنر با حقیقت، طبیعت با انسان، هنر با دیدگاه‌های تاریخی)، چارچوب‌شناسی (زیبایی‌شناسی، تخیل و خلاقیت و شهود در هنر، زبان درک و بیان هنری، نمادپردازی و شیوه‌های تاولیل، جمال و مفهوم هنری، علم استحسان)، و ... اشاره کرد.

در این بین لزوم تحقیقاتی، که به صورت نظریه پردازانه، موضوعات مطرح شده و مشترک بین حکمت در معماری اسلامی با هنر در سنت‌گرایی را پایه و اساسی برای پژوهش قرار دهد، حس می‌شود. اگرچه برخی نظریه‌پردازان هم‌چون نقره‌کار (۱۳۹۵)، در مقاله «نسبت اسلام با فرایندهای انسانی: فرا نظریه سلام» نظریه‌ای بر همین اساس مطرح کرده‌اند، و تلاش‌های ایشان برای تاکید بر شیوه‌های تعمیم‌دهی و الهام‌گیری از این مفاهیم - که در قالب فرایندهایی ارائه شده است - ستودنی است؛ ولی منظور ایشان از لحاظ محتوای سنت، معماری سنت‌گرایی است که در محدوده فکری و عملی ایران پس از اسلام جای می‌گیرد و از لحاظ روشی، پیشنهاد ایشان، مبتنی بر روش‌های اجتهاد فقی و اصول فقهات (رایج در حوزه‌های علمیه) است، نه روش‌های تولید علم مبتنی بر نظریه‌پردازی علمی - پژوهشی. پس به نظر می‌رسد، ابتدا، باید روش تولید، تطبیق و ترویج علمی را برای مفاهیم میان‌رشته‌ای، چند وجهی و پیچیده‌ای مثل «حکمت»، «سنت» و «مبانی نظری معماری»، نظریه‌پردازی کنیم، سپس، اقدام به ارائه کلیات و نهایتاً ارائه مفاهیم و روش‌ها کنیم. بر این اساس پژوهش جاری، در گامی اولیه، همان‌گونه که برخی پژوهشگران هم‌چون سلیمانی (۱۳۹۳) در مقاله «سنت‌گرایی و تکثر دینی»، درباره هنر منعکس در «جادوان خرد» بیان کرده، که شامل اشتراکی از نظریات سنت‌گرایی ادیان ابراهیمی را شامل می‌شود، مفاهیم جادوان خرد را استحصال، و

زیرا به نظر می‌رسد عینیت بخشی به مفاهیم حکمی - فلسفی پیرامون واقعیت، نیاز جامعه معماران امروز به بهره‌گیری از مبانی نظری این دو حوزه را بر طرف می‌کند. نتیجه این تطبیق محتوایی ابتداء، در قالب چارچوب محتوایی و سپس، فرایند دست‌یابی به آن، در بخش نتایج ارائه گردیده است.

پیشینه پژوهش

سنت‌گرایی در دوران معاصر، به دیدگاه برخی از پژوهشگران، هم‌چون رزاقی هر یکنده‌یی (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی پدیده سنت‌گرایی و نقد آن» و هومن (۱۳۹۶) در مقاله «سنت‌گرایی»، پدیده‌ای علمی - هنری - اجتماعی است که باید به عنوان یک پدیده، با نگاهی کل‌نگر بدان نگریست. بر این اساس با رویکردی جریان‌شناسی که نگاهی کل‌نگر دارد، می‌توان از بررسی آثار کتابخانه‌ای در زمینه زیبایی‌شناسی هم‌چون سارتر (۱۳۹۸)، فاستر گیج (۱۳۹۹)، و یا نگاه فلسفی به زیبایی‌شناسی در دوران معاصر در کتاب «زیبایی‌شناسی فلسفی و تاریخ زیبایی‌شناسی جدید» نوشته گایر و لوینسون (۱۳۹۳)، به نظریاتی پیرامون چیستی زیبایی‌شناسی در رویکرد فلسفی و سنتی توجه کرد. برخی دیگر هم‌چون احمدی (۱۳۹۹) در کتاب «حقیقت و زیبایی: درس‌های فلسفه هنر»، آیت‌اللهی (۱۳۹۸)، در کتاب «مبانی نظری هنرهای تجسمی»، هاسپرس و اسکراتن (۱۳۹۸)، در کتاب «فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی» تلاش کرده‌اند دایره فلسفه را به اصل هنر تعمیم داده و به مقوله زیبایی‌شناسی بسنده نکنند. چنین نگاه و دیدگاه‌هایی به نظرات سیستمی‌تری از جمله نگاه منعکس در سنت‌گرایان فلسفی، قرابت و شباهت دارد. دسته دیگری از آثار، هم‌چون نظرات هاشم‌نژاد (۱۳۹۸)، در کتاب «زیبایی‌شناسی در آثار ابن‌سینا، شیخ اشراق و صدرالمتألهین»، و نظرات یورگ گورت‌گروت (۱۳۹۳)، در کتاب «زیبایی‌شناسی در معماری» و فصول ۳، ۵ و ۷ کتاب «زیبایی‌شناسی معنا و اندیشه» اثر مارک جانسون (۱۳۹۹)، که ابعاد زیبایی را در نظر سنت‌گرایان، معماران و ساحه فلسفه معاصر بیان کرده‌اند. حال آن‌که نظریه مدون و جامع و یک‌پارچه‌ای مبتنی بر این مفاهیم، در دست نیست.

این در حالی است که به اعتقاد برخی هم‌چون، تیموری (۱۳۹۴)، در مقاله «نگاهی انتقادی بر نظرات «فریتیهوف شوان» درباره زیبایی‌شناسی اسلامی»، نشر و گسترش آرا و نظرات سنت‌گرایان درباره هنر و زیبایی در فضای فکری و فرهنگی کشور ما، سابقه‌ای نزدیک به پنج دهه دارد. وجود جنبه‌های انتقادآمیز و نفی‌کننده

مفهوم مشترک بین ایشان و معماری معاصر، پیشنهاد شده است. همان گونه که بررسی شد، جنبه‌های مختلفی از کمبود مطالعاتی در آثار موجود درباره اهداف این پژوهش وجود دارد که تلاش گردیده با توجه به آن، در روشی نظریه پردازانه، ضمن بهره گیری تحلیلی-تفسیری از این منابع، امر تطبیق و استفاده نو ترکیبی از آن‌ها صورت گیرد، تا ماحصل خود را در قالب نتایج و روشی تعمیم‌پذیر برای سایر جوانب نظریه‌پردازی‌ها در ساحت هنرهای تجسمی حال حاضر، عرضه کند.

نظام مفهومی در ساختار زیبایی‌شناسی

ریشه‌های تجدد خواهی و پیشرفت‌های صنعتی و علمی در قرون ۱۸ و ۱۹م، عرصه را برای دین خواهی و سنت جویی در جوامع مختلف (خصوصاً اروپایی) تنگ کرده بود. اوج این امر در مدرنیسم، با نفی کامل دین و سنت اتفاق افتاد. سنت‌گرایی در آن دوران، از مفاهیم معنوی و در حد شناخت و جهان بینی، تحت عنوان سنت‌گرایی معنوی پدید آمد. ولی از آن جا که مدرنیسم در ضمن نفی این سنت‌ها، گفتمان جایگزینی از نقد و اثبات‌گری علمی ارائه کرده بود، نیاز به گسترش گفتمان سنت‌گرایی از حیطه شناخت معنویات، به مفاهیم فلسفی و اثبات خردمندانه شکل گرفت. به دیگر سخن، سنت‌گرایی معنوی به دست «رنه گنون» فرانسوی (۱۸۸۶-۱۹۵۱) که پس از مسلمان شدن، «عبدالواحد یحیی» نام گرفت، ایجاد شده و سپس، با تفکرات «آندا کوماراسوامی» (۱۸۷۷-۱۹۴۷) هویت فلسفی آن تقویت شد و موجودیت مستقلی یافت. با مطالعات «فریتیهوف شوان» در زمینه دین‌شناسی، «تیتوس بور کهارت» در زمینه هنر مقدس و «مارتین لینگن» درباره قرائت‌های سنت‌های دینی در جهان مدرن، توسعه یافت و به گفتمان و جریان فکری خاصی بدل شد. در حال حاضر «سید حسین نصر»، شاخص‌ترین چهره این جریان است (منصوری و تیموری، ۱۳۹۴: ۲).

پس به‌طور کلی، می‌توان گفت، سنت‌گرایی در دوران معاصر، در بسیاری از جنبه‌هایش، گونه‌ای رجعت به اصول در جامعه اروپای مدرن، پس از ظهور مدرنیسم است، زیرا که در مصادیق سوژکتیویسم تغییرات و تحولاتی حاصل گردید (بوکهارت، ۱۳۹۶: ۲۲). وقتی دامنه‌های اعتقادی از خود بنیادی بشری به سوی حکمت الهی تغییر پیدا کرد، سنت در معنای اصیل آن رونق یافت. می‌توان بیش‌ترین بروز سنت‌گرایی را در جنبش‌های مرتبط با دیان ابراهیمی، و توسط فلاسفه دانست. به دیگر سخن، سنت‌گرایان فلسفی، در چارچوب مکاتب ابراهیمی، گفتمان

وارد مرحله ترکیب آن با نظرات استحصال شده در مرحله بعد، که همان حکمت اسلامی باشد، کرده است.

بر اساس گسترده‌نگاه سنت‌گرایان به هنر، پژوهشگران زیادی هم‌چون الهیان و عربیان (۱۳۹۷)، در مقاله «تاثیر مذهب و سنت‌گرایی در شکل‌گیری شهرهای آیینی-اسلامی»، سعی نموده‌اند تا بین تعریف و نگاه هنری ایشان با مبانی نظری معماری، ارتباطی مفهومی را کشف کنند؛ هم‌چنین، برخی دیگر هم‌چون مطهری الهامی (۱۳۸۴)، در کتاب «هنر دینی در آرای بور کهارت» تلاشی در زمینه امکان‌سنجی این امر، و برخی نیز هم‌چون بردباری و همکاران (۱۳۹۷)، در مقاله «مرزپردازی در هنر مقدس معماری اسلامی از دیدگاه سنت‌گرایی»، وجهی از این ارتباط‌سازی بین سنت‌گرایان و مبانی نظری معماری اسلامی را پیشنهاد کنند. ولی نگاه جزنگر آن‌ها باعث گردیده، بخش خاصی را مورد توجه قرار داده و اصولاً تعمیم‌پذیری آن با سایر جوانب، خصوصاً به قصد نظریه‌پردازی را مد نظر قرار ندهند. البته، در نقطه مقابل، برخی از پژوهشگران دیگر هم‌چون چراغی (۱۳۹۶)، در مقاله «سنت و سنت‌گرایی در معماری»، صرفاً کلیت معماری را بر اساس تاثیر دیدگاه‌های سنت‌گرایان، بررسی کرده‌اند؛ که کلی‌گویی و عدم بررسی نقش و تاثیر مبانی نظری در این آثار، کمبود و نقص به‌شمار می‌آید.

در ادامه، دسته دیگری از آثار هم‌چون نظرات آل سیدغفور و معینی پور (۱۳۹۶)، در «زمینه‌های عینی شکل‌گیری سنت‌گرایی در نظام فکری سیدحسین نصر» و دیدگاه‌های امامی جمعه و طالبی (۱۳۹۱)، در مقاله «سنت و سنت‌گرایی از دیدگاه فریتیهوف شوان و دکتر سید حسین نصر»، مورد توجه قرار گرفته که به زمینه‌های عینی و واقعی جهان معاصر در شکل‌گیری سنت‌گرایی معاصر پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد در دیدگاه این پژوهشگران، زبان پدیده‌های اجتماعی (چه هنری چه تحولات انسانی)، در کلید واژه واقعیت، منعکس و متبلور است. این آثار، سنت‌گرایی را واکنش این قشر از اندیشمندان به تجدد خواهی عصر روشن‌گری، نفی سنت‌ها در مدرنیسم و انکار فراروایت‌ها در پست مدرنیسم می‌دانند، و اصولاً مبانی نظری را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و از نماد، شاخص، زبان و بیان آن در هنر، حرفی به میان نمی‌آورند. اگرچه مفهوم واقعیت بین این آثار و پژوهش جاری یکسان است، ولی واقعیت در آثار فوق، به صورت پیش فرض و به عنوان زبان مشترک زمینه اجتماعی با افکار سنت‌گرایان است. در حالی که در پژوهش جاری، به نقش و جایگاه واقعیت در نزد سنت‌گرایان و حکمت اسلامی اشاره شده، سپس، به عنوان

اعتقادی به فلسفه جاویدان یا همان به اصطلاح «حکمت خالده» یا جاویدان خرد دارند. در بُعد فلسفی، با توجه به ابزارهای شناختی محدود انسان نسبت به ذات حقیقت آفریدگار، می‌توان گفت حکمت خالده برگرفته از جهان بینی اعتقادی به حقیقتی جاودانه است که «آنچه مقدس است متعلق به قلمرو ثابت و لایتغیر است و نه تغییر و دگرگونی» (شوان، ۱۳۷۲: ۱۲۴).

از دیگر سوی، شناخت ممکن از ذات حقیقت الهی، تنها در چارچوب حقایق حکمی - که در جاتی از نزول حقیقت در قالب واقعیت‌های قابل ادراک توسط انسان هستند - ممکن می‌شود (شناخت پدیده متجلی در اثر). هم‌چنین آغاز و انجام چنین حقیقتی نیز آشکار نیست. اصولی‌ترین حکمت چنین فلسفه‌ای، این است که منشا و هویت آن بر حقیقت استوار است و نقش انسان، کشف اثرات آن در قالب واقعیات است. هنر و زیبایی‌شناسی متصور بر آن، از جمله شئون بروز حقیقت در قالب واقعیت است. ولی «مفهومی که سنت‌گرایان از «سنت» مراد می‌کنند و تعریف و تفسیر خود از هنر و معماری اسلامی را بر اساس آن بنا می‌نهند، با مفهوم سنت در فرهنگ اسلامی مغایر

نمودهای معماری آن‌ها است، در حالی که فلاسفه سعی در اصالت‌یابی واقعیت‌ها هستند. پژوهش حاضر سعی دارد، روند فوق را به گونه‌ای دنبال کند که دیدگاه روشن و تفکیک‌تر شده‌ای نسبت به این دو مفهوم را به شیوه تطبیقی ایجاد کند؛ تا استفاده جامعه معماران امروزی - که بهره‌گیری از مفاهیم به عینیت رسیده از یک سو و مبتنی بر واقعیت بودن آن، از جنبه‌های مختلفی برای ایشان ارزشمند است - تسهیل گردد. خصوصاً که روند این تطبیق محتوایی به صورت فرایندی طی شده باشد.

بر این اساس، باید نظرات حکمی و فلسفی را به ملاک‌های واقعیت نزدیک و نسبت داد. زیرا احتمالاً، این راهی است که می‌توان از داشته‌های نظری، به زبان عملی و واقعیت‌ها (با حفظ مفهوم) در معماری نزدیک شد. پس با توجه به تفکیک شدگی موضوعات مختلف در حال حاضر (در زمینه ساحت هنر)، و به منظور کاربردی‌تر شدن نتایج این پژوهش برای معماران، تلاش گردیده مفهوم زیبایی‌شناسی در قالب سه نظام (ستون سمت چپ در جدول زیر) بر مبنی نظریات دکتر سید حسین نصر، به صورت تطبیقی، ارائه و بررسی گردد:

جدول ۱. تطبیق وجوه متفاوت هنر در نزد سنت‌گرایان معنوی با ساحت هنر معاصر (ماخذ: نگارندگان).

انواع هنر سنتی	منشأ	الزامات شناخت تطبیقی (درک فرآیند و کارکرد)	وجه تطبیق با هنر امروزی
هنر مقدس (۱)	وحيانی	مشروط به شناخت (اصول، روش‌ها و مبانی) آن دین است.	آیین و مناسک (نظام عملکردی - عینی)
هنر سنتی (۲)	سنت‌های الهی نزد سنت‌گرایان	شناخت منابع و روش‌های آفرینشی در هنرهای سنتی و تفکیک آن‌ها از آیین و روش‌های هنر آفرینی مقدس	ارزش‌های آفرینش هنری (نظام ارزشی - زیبایی)
هنر دینی (۳)	توانمندی‌های هنرمندان سنتی	شناخت محتوایی، روش و هدف در نزد هنرمند سنتی و تفکیک آن از محتوا و هدف هنر سنتی، هم‌چنین، تفکیک آن از محتوا، روش و هدف در هنر مقدس	اهداف آفرینش هنری (نظام معنوی - کمال)
راهنمای منابع		(۱) و (۲) نصر، ۱۳۸۹: ۲۹؛ (۳) نصر، ۱۳۸۱: ۴۹۴-۴۹۵.	

در ادامه، از جایی که به نظر می‌رسد این سه نظام را که برای معماران آشنا و قابل درک است، می‌توان به عنوان موضوعی مشترک در حکمت اسلامی و سنت‌گرایی نیز رصد کرد (جدول ۲)؛ در ادامه، به تبیین کلی آن‌ها برای یافتن ساختار مطالعات زیبایی‌شناسی به شیوه قرابت موضوعی، پرداخته می‌شود.

الف) نمود زیبایی (نظام ارزشی)

بسیاری از سنت‌گرایان از جمله شوان معتقدند که زیبایی همیشه تجلی دهنده حقیقت است پس به نوعی الهی است و چون شکوه بخش آن است، پس ابژکتیو است (بینای مطلق، ۱۳۸۲: ۱۰۶). بر این اساس، می‌توان بستر معماری را به عنوان ظرفی برای محتوا در نظر گرفت که می‌تواند از طریق زیبایی، نمود عینی حقیقت در

است بنابراین، نمی‌توان با اتکا به نظریات سنت‌گرایان مفاهیم و اصولی برای هنر و معماری اسلامی امروز تعریف کرد» (منصوری و تیموری، ۱۳۹۴: ۴).

رویکرد حکمت خالده، فلسفه را ابزاری برای درک حضوری حقیقت می‌داند (شوان، ۱۳۸۴: ۱۲۶)؛ و این تعریف که به تصریح «بافته‌های ساخته و پرداخته ذهن» نام دارد، به معنی نوعی نظام هنری و زیبایی‌شناسی در چارچوب توان ادراکی بشر، محدود می‌گردد (شوان، ۱۳۸۴: ۲۲۳؛ همان، ۱۳۸۸: ۴۵۰). پس می‌توان گفت کلیدواژه واقعیت، به صورت مشترک بین فلاسفه سنت‌گرا و اندیشمندان حکمت اسلامی از یک سو، و طراحی پژوهان از سوی دیگر در حال مطرح شدن است. گویا که معماری معاصر سعی بر کشف واقعیت پدیده‌ها به معنی اصالت بخشی به

جدول ۲. مقایسه تطبیقی حکمت در معماری اسلامی و امر عالی در سنت‌گرایی (ماخذ: نگارندگان).

عوامل هم‌نشین	نمودز بیایی	نمود کمال	نمود عینی
هندسه	تقارن	کارایی	پایداری
مفهوم	زیبایی	برتر‌گونی*	معنی‌داری
مطلق‌گونی	امر الهی	نظم	اصالت
بی‌نهایتی	واقعیت عینی**	راز و پیچیدگی	جاودانگی

(۱) نقره کار، ۱۳۹۶، مقاله ۲۵؛ فرشید نیک، ۱۳۹۸: ۸۰-۸۵؛ اعوانی، ۱۳۷۵: ۱۱۳-۱۵۰ و ۲۸۹-۳۱۴؛ محدثی، ۱۳۷۶: ۲۱۵-۲۲۱؛ محدثی، ۱۳۸۶: ف. ۱۱۶

(۲) رهنورد، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۹؛ دفتر مطالعات دینیه‌هنر، ۱۳۷۲؛ بوکهارت، ۱۳۹۶؛ نقره کار، ۱۳۹۶؛ مقاله ۲۶ و ۳۱؛ مدد پور، ۱۳۸۳: ۸۰-۸۷؛ حجت، ۱۳۸۴: ۶

*: در نظام ارزش حکمی، مفهوم کمال به عنوان جامعیت هم‌زمان کمی و کیفی مطرح شده که نشانه برتری نسب به نگاه جزنگر است.
 **: واقعیت در نگاه سنت‌گرایان، نمودی از قابلیت پدیده‌ها در نمایش حقیقت است که عینیت محدودی یافته، ولی نشان بی‌نهایت است. (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰: ۳۱-۷۵)

بلکه صرفاً عمق کیفی این ادراک را متأثر می‌کند. نهایتاً، می‌توان گفت از یک سو، ماهیت و ارزش‌شناسی که مسیر حکمی-زیبایی را طی می‌کند، نهایتاً باید با قیود معماری اسلامی تلاقی کند، تا بتوان با تجمیع آن‌ها، به شاخص‌شناسی رسید.

ب) نمود کمال (نظام معنوی)

از دیگر سوی، سنت‌گرایان، کمال زیبایی را در متجلی شدن آن می‌دانند. مثلاً بینای مطلق، درباره نظر شنوان این‌گونه بیان می‌کند که، «زیبایی با تجلی سرآغاز می‌یابد و در واقع، با کمال یکی است؛ یعنی از سویی، نمودار مطلق و از سوی دیگر نمودار بی‌نهایت است. به سخن دیگر، در زیبایی، نظم، سمبل مطلق و راز، نشانه بی‌نهایت است. کمال نیز از هم‌نشینی نظم و راز زاده می‌شود، چه در طبیعت و چه در هنر ... شکوه حقیقت یعنی زیبایی دارای دو روی یا وجه الزامی-اشتراکی است: راز و نظم» (بینای مطلق، ۱۳۸۲: ۱۰۶). پس احتمالاً، معماری رانیز می‌توان بستری برای تجلی زیبایی دانست. زیرا در معماری، مفهوم کمال به دست نمی‌آید؛ مگر از هم‌نشینی و جوه متکثری از هندسه و مفهوم در کالبدی که وحدت (نظم و ساختار) یافته است. هم‌چنین مفهوم وحدت در معماری اسلامی را احتمالاً می‌توان معادل امر عالی در فلسفه سنت‌گرایی دانست. سنت‌گرایان معتقدند که، نسبت بین زیبایی و امر عالی، اولاً، منطقی است و ثانیاً، نسبت عموم و خصوص من وجه، و دارای اجتماع طرفین در جنس است. یعنی زیبایی در هنر و به نظیر آن وحدت در معماری را می‌توان زیرمجموعه کمال محسوب کرد. در مقابل می‌توان دو حالت افتراق را، بین این دو یافت (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۵۵):

واقعیت، کالبدی عالی است، ولی نمود کمال یا وحدت ندارد. یعنی اثر معماری، اگرچه نیازهای فعالیتی یک کاربری را مرتفع می‌کند،

حد ظرفیت خود باشد. گرچه برخی معتقدند که این رابطه بین حقیقت و کالبد معمارانه، اگر از مسیر و نمادهای درستی پیروی نکنند، درست برعکس عمل کند. زیرا «زیبایی دارای خصوصیتی است که می‌تواند محتوی را در خود بیوشاند و رویارویی زیبایی و حقیقت نیز درست از زمانی آغاز می‌شود که زیبایی بخواهد (و می‌تواند) حقیقتی را مستور کند» (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۵۴). به دیگر سخن، زیبایی به حال اشخاص، اشیا و امور رجعت دارد، ولی قشنگی به حالت میل می‌کند. اولی، فرا واقعیت و دومی، امری واقع‌گرایانه است. زیبایی، امری فهمیدنی و استنباطی و قشنگی، محسوس و دیدنی است. این‌که زیبایی می‌تواند حقیقت را مستور کند خود محل تامل است. زیبایی در معنای اصیل و شریف خود همان حقیقت است؛ اما به شرط قوت. هم‌چنین در باره ادراک مخاطب از رابطه بین حقیقت و هنر (معماری)، «علامه جعفری» معتقد است: «نمی‌توان رابطه بین سه مفهوم مزبور (زیبایی، حقیقت و هنر) را به طور مطلق و یک‌سان در نظر گرفت. می‌توان این قضیه را به عنوان یک اصل در این مبحث مطرح نمود که هر اندازه رشد مغزی و کمال انسان بالاتر باشد، هر حقیقت و هنر مفید و انسانی را زیبا تلقی خواهد نمود. یعنی همان انبساط روانی را که در حال شهود زیبایی‌ها در خود احساس می‌کند، در موقع دریافت یک حقیقت و یک اثر هنری مفید بر حال انسان‌ها همان انبساط را در درون خود دریافت خواهد کرد» (همان: ۱۵۵). پس می‌توان از نقش قیود کالبدی-هندسی-حکمی، که در معماری اسلامی وجود دارد، به عنوان چارچوبی ارزشی برای اطمینان از ارزش‌شناسی شاخص‌های ارائه شده در نظام کالبدی بهره برد، تا اطمینان حاصل کرد، کالبد معماری، در مسیر آشکار کردن حقیقت زیبایی است و میزان ادراک مخاطب در هر دوره زمانی-مکانی، در ادراک آن تغییری در اصالت آن ایجاد نمی‌کند؛

ولی طراحی عناصر مختلف آن، یک‌دست و هم‌جنس و هم‌شکل نیست.

واقعیت، کالبدی، دارای کمال و وحدت است، ولی عادی و معمولی است. یعنی نمودهایی از زیبایی‌های معمولی پیرامون ما وجود دارند و از رنگ‌ها و اشکال ساده متداول به‌وجود آمده‌اند که صرفاً در جاتی از زیبایی دارد، ولی عالی نیستند.

پس می‌توان گفت، مفهوم کمال در معماری را باید به‌صورت هم‌زمان از طریق مترادف و متضادهایش تعریف کرد؛ تا بتوان به‌نظام کالبدی هم‌چون پر و خالی، تضاد و تباین در رابطه توده و بستر، نور و تاریکی و... معنی نمودش. این‌گونه به نظر می‌رسد که هم‌نشینی نظم و راز در حکمت سنت‌گرایی، به متضاد و مترادف در حکمت معماری اسلامی، تناظر پیدا می‌کند. زیرا هنگامی که در سنت‌گرایی، به تعادلی ساختاری می‌رسد، شکوه حقیقت را در اوج کمال خود نمودار می‌کند و در معماری اسلامی نیز ساختاری برگرفته از هم‌نشینی مفاهیم متضاد و مترادف‌ها را می‌توان به‌عنوان ساختار مفهومی معماری دانست؛ که متشکل از وجوه مختلف برگرفته از مفاهیم حقیقی است. یعنی تبدیل مفاهیم حقیقی به واقعیت‌ها در حکمت معماری اسلامی، هم‌نشینی نظم و راز در فلسفه سنت‌گرایی دانست. مفاهیم در حکمت معماری، نشانه‌های راز‌گونه در سنت‌گرایی هستند، و واقعیت‌های برگرفته شده از این مفاهیم همان سمبل‌های مطلق‌گونه در سنت‌گرایی هستند. کمال‌شناسی در سنت‌گرایی را می‌توان واقعیت‌شناسی در حکمت معماری و معادل نظام کالبدی-فضایی در معماری اسلامی دانست.

ج) نمود عینی (نظام عملکردی)

مفهوم اصالت در نظام زیبایی‌شناسی سنت‌گرایان، مفهومی معنی‌دار، روا و پایایی است که حاصل ادراک ۳ بشر نیست. «در حقیقت، زیبایی اساساً عنصری عینی است که ممکن است ما آن را ببینیم یا نبینیم؛ یا ممکن است آن را بفهمیم یا نفهمیم؛ ولی همانند هر واقعیت عینی یا همانند حقیقت، کیفیت ذاتی خاص خود را دارد» (شوان، ۱۳۸۳: ۲۶). یعنی زیبایی، واقعیتی است که:

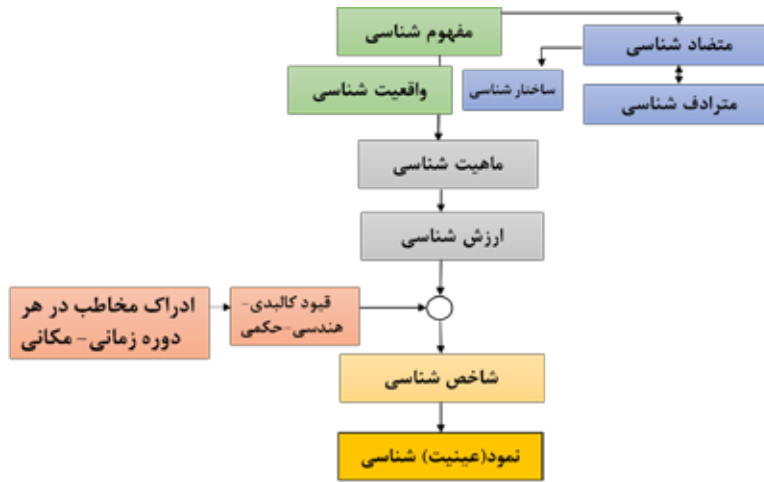
رواست: به‌عنوان یک واقعیت و امر محسوس و دارای معنی ویژه و یگانه است. به دیگر سخن، هم‌نشینی اجزای آن، به پوچی و بی‌معنایی، یا هر معنایی نمی‌رسد و از دیگر سوی، در دایره ادراک و شناخت آدمی نیز می‌باشد و امری دست‌نا‌یافتنی یا نامحسوس نیست. خواه علم حضوری بطلبد، خواه علم حصولی یا شهودی.

می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم روایی در زیبایی‌شناسی سنت‌گرایان مفهومی است برگرفته از نمود کمال در سنت‌گرایی، و نظام واقعیت در حکمت معماری اسلامی است. گرچه شوان معتقد به روایی مطلق است و می‌گوید «مبادی وجودی امور زیبا در چیزی بسیار عمیق‌تر از آن‌چه در محدوده درک و فهم و دانش‌هایی محدود به پدیدارها واقع می‌شود قرار گرفته است» (شوان، ۱۳۸۳: ۲۶)، ولی می‌توان موضع‌گیری برخی فلاسفه دیگر سنت‌گرایی را این‌گونه تفسیر کرد که، اشرف مخلوقات بودن انسان به‌واسطه شعور انسانی از یک سو، و عبث بودن خلقت نمودهای زیبایی در صورت غیر قابل فهم و دسترس بودن برای انسان، از دیگر سوی، نشان‌دهنده این است که خداوند از صفت حکمت خود، چنین پدیده‌هایی نمی‌آفریند، احتمالاً، برای درک این‌ها، باید قبول کرد استعدادهای بالقوه انسانی، به تمام و کمال خود نرسیده است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۵).

پایا است: یعنی متکی به ذهن و دستگاه ادراکی مخاطب نیست و جدا از نوع و شرایط زمانی مکانی مختلف، موثر بر دستگاه ادراکی انسان است. «زیبایی قبل از آدمی و مستقل از او موجود است. این آدمی نیست که مثل افلاطونی را خلق می‌کند، این مثل افلاطونی هستند که آدمی و فهم او را تعیین می‌بخشد» (همان)؛ و برای ادراک چنین نمودی، دستگاه ادراکی مخاطب محدود به توان شناختی-ادراکی خود از مفهوم پایای آن زمینه است. به دیگر سخن، نمود عینی زیبایی در نزد سنت‌گرایان، قایم به ذات است. چنین دیدگاهی نزد حکمای فلسفه اسلامی به معنی بُعد ذاتی زیبایی و ظرفیت وجودی آن در انعکاس زیبایی است. در معماری اسلامی، به‌نوعی مفهوم کهن الگوهای معماری، برگرفته از اصالت‌های ذاتی است، حال آن‌که تعبیر یک‌ساز از وجوه متعامل زیبایی، یا برداشت‌های متکثر از آن‌ها ممکن باشد.

تعاملی است: یعنی، ادراک به علت دخالت حواس باطنی و درونی انسان در درک آن دارای بعدی ذهنی است که سابقه اعتقاد به جنبه ذهنی، در نظرات فلاسفه یونان باستان، و متفکران قرون وسطی، در اسلام و مسیحیت وجود دارد. مثلاً، نجیب اوغلو می‌گوید: در «این نظریه اسلامی در قرون وسطی که روح مجذوب صوری است که تناسبات موزون و رنگ‌های زنده داشته باشد، (فرض) بر این است که میان امر ذهنی (سوژه) و امر عینی (ابژه) ارتباطی وجود دارد که واکنش‌های عاطفی روان‌ناظر را برمی‌انگیزد» (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۲۶۹). هم‌چنین، جعفری این را فرضیه‌ای حتمی می‌داند و می‌گوید: «اگر زیبایی عبارت باشد از یک نمود عینی، که مورد پسند و خوشایند باشد و ذهن

نمودار ۱. شکل‌گیری نظام مفهومی در ساختار زیبایی‌شناسی حکمی (ماخذ: نگارندگان).



اسلامی پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی زیبایی

در این زمینه می‌توان دو رویکرد کلی را شناسایی کرد. رویکرد اول، شامل فلاسفه و اندیشمندانی که به صورت مستقل به تعریف زیبایی پرداخته و برداشت، جمع‌بندی و مفهوم‌شناسی‌های غالباً ترکیب گونه از مقوله زیبایی ارائه کردند. غالباً، زیبایی را اصلاتی می‌دانند که هر پدیده به میزان قابلیتش، آن را دریافت می‌کند و نگاهی پدیده‌شناسانه به زیبایی دارند (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۷۴؛ دهخدا، ۱۳۴۱: ۵۲۵/۱۰). رویکرد دوم، شامل فلاسفه‌ای که تعریف زیبایی را به صورت ماهیت‌شناسانه بیان کرده، و رویکردی به تعریف آن پرداخته‌اند. یعنی، زیبایی را خصوصیتی برگرفته و مساوق با وجود می‌دانند (شیخ‌الرئیس، ۱۴۰۴: ۳۶۸-۳۶۹؛ ملاصدرا، ۱۴۰۲: ۳۵؛ ملاصدرا، ۱۳۶۸: ۱۸۲/۷)؛ و نگاهی پدیدارشناسانه به زیبایی دارند. به دیگر سخن، همان‌گونه که وجود قابل تعریف به ذات نیست و بر اساس تاثیر محسوس برای ادراک قابل تعریف است، یعنی جزو بدیهیات اولیه است، می‌توان گفت رویکرد دوم، زیبایی را هم‌چون خود «وجود»، مفهومی بدیهی می‌پندارد که به بیان فلاسفه نسل‌های بعدی در این رویکرد، اصولاً نمی‌توان برای بدیهیات، تعریف مبتنی بر حقیقت بیان کرد. زیرا از حقیقت آن‌ها مطلع نیستیم و در تلاش برای رسیدن به حقیقت آن‌ها، ناگزیر، به گذر از واقعیت‌های موجود هستیم (ملاصدرا، ۱۳۶۸: ۲۴۹/۱؛ همان، ۳۸۰/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰). هم‌چنین رویکردی بینابینی نیز وجود دارد که توسط سنت‌گرایان معاصر، بیان شده است. «مباحث

آدمی هیچ نقشی جز منعکس ساختن آن را نداشته باشد، (آن‌گاه) لذت حاصله از دریافت زیبایی معلول چه خواهد بود؟ احساس لذت از زیبایی، روشن‌ترین دلیل آن است که زیبایی‌ها با مغز و روان ما ارتباطی مافوق انعکاس ذهنی محض دارند ... ماهنگامی که رویاروی زیبایی‌ها قرار می‌گیریم تا حدودی می‌توانیم آن‌ها را تفسیر و علت آن‌ها را در مغز و روان و لذتی که از آن می‌بریم، بیان کنیم و در این تفسیر و تعلیل به طور عمده از محتویات درونی ذاتی خود بهره‌برداری می‌نماییم» (جعفری، ۱۳۸۱: ۱۸۸)؛ هم‌چنین، جوادی آملی این تعامل را با کلیدواژه «ماهنگی» بیان می‌کند که، حاصل مفهوم لذت در دستگاه ادراکی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۵). می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که زیبایی در نزد سنت‌گرایان هم دارای قطب درون ذات است و هم برون ذات. یعنی برای ادراک زیبایی، هماهنگی و تعاملی دوطرفه، بین وجوه ذهنی و عینی زیبایی، از نوع لازم و ملزوم وجود دارد. بلغاری در این زمینه بیان می‌دارد، از آن‌جایی که «عالم تجلی صفات خداوندی است که از صفات جمال او نور است و بنا بر اصل تبعیت مجلا از متجلی عالی سراسر نور، زیبایی و تناسب است. کشف این تناسب به منزله رمزگشایی و کشف قدر و ورود به بوستان معرفت الله و ادراک صفات الهی است» (افهمی و سلطانی، ۱۳۹۱: ۲۲). در نتیجه، عینیت‌شناسی - که به دنبال کشف ماهیت (نور، زیبایی و تناسب) حقیقت از طریق زیبایی‌شناسی مبتنی بر حکمت‌های سنتی است - نیز به وسع خود در چنین اهمیتی قرار گرفته است.

در ادامه، به بررسی هر یک از عوامل نظام فوق بر اساس آرای سنت‌گرایان، در ضمن تطبیق آن‌ها با آرای حکمی در معماری

سنت‌گرایان، عمدتاً، مباحثی نظری در زمینه مابعدالطبیعه، اخلاق، انسان، عرفان، دین و هنر است. بخش قابل توجهی از آثار قائلان به جاویدان خرد را آموزه‌های سنتی هنر تشکیل می‌دهد و حتی در برخی از آموزگاران این مکتب فلسفه سنتی هنر به منزله موضوع اصلی طرح‌شان نمایان می‌شود (عباسی، ۱۳۸۷: ۱۲۸-۱۲۱).

در این بین، کلیدواژه اصلی برای ادراک هنر و بیان زیبایی آن، در نظر سنت‌گرایان فلسفی، عقل به‌عنوان وسیله‌ای است که با ابزار تحلیل (علم حصولی)، به ادراک و با ابزار ترکیب (علم شهود عقلی)، به زیبایی‌شناسی خود می‌رسد. کاربرد عقل استدلال‌گر، در دیدگاه سنت‌گرایان، صرفاً ابزاری برای ادراک هنری، و سپس، رسیدن به شهود عقلی است. یعنی آن‌ها عقل استدلال‌گر را ابزار مرحل‌های برای عبور از شهود بصری به علم زیبایی‌شناسی می‌دانند. زیرا زیبایی را علمی بر گرفته از شهود می‌دانند. در نهایت، باید گفت، استدلال و علم حصولی، صرفاً در نقش وسیله‌ای است برای رسیدن به شهود عقلی ۴ است، و «از این منظر، تفکر و تعقل، فعالیتی است که از عقل جزئی سرچشمه می‌گیرد که تنها قادر به استدلال منطقی است و بر شهود عقلی توانا نیست (شوان، ۱۳۸۱: ۹۷).

هم‌چنین، برخی سنت‌گرایان معاصر، هم‌چون سید حسین نصر، معتقدند که فلسفه غربی مُدرن، با بی‌توجهی به ضعف عقل استدلال‌گر، درباره نیاز به ادراک مفاهیم برگرفته از ماهیت، به‌واسطه ناتوانی در حذف چنین نیازی، توانایی‌های عقل شهودی را به عقل استدلال‌گر نسبت داده‌اند. این در حالی است که عقل استدلال‌گر به دید او، در ایده‌آل‌ترین حالت می‌تواند پدیده‌های عارضی و مشهود بر اثر رفتار آن‌ها را، مورد مکاشفه و شناخت قرار دهد (نصر، ۱۳۸۳ الف: ۳۷). او در جایی دیگر، ضمن برشمردن توانمندی و جنبه‌های نیاز به عقل شهودی، معتقد است که، جریان سنت‌گرایی خصوصاً در اسلام، بیش از سایر مکاتب و ادیان ابراهیمی، از چنین نسبت نامتعادلی، آسیب می‌بیند (نصر، ۱۳۸۳ ب: ۲۵۲). او معتقد است، یکی از مهم‌ترین اثرات چنین جای‌گزینی نابخردانه‌ای، به تفکیک معرفت ناشی از دو رویکرد عقل استدلال‌گر و عقل شهودی از یکدیگر منجر می‌شود که به ویرانی کامل علوم و الهیات عقلی منتهی خواهد شد (نصر، ۱۳۹۴: ۴۰).

در نهایت، این‌گونه می‌توان نتیجه گرفت که، سنت‌گرایان با اعتقاد به عقل شهودی به‌عنوان یک بستر و ابزار کارکردی-شناختی، معتقدند ۵، نظام ارزشی موجود در معرفت عقلانی و

مدرنیستی، صرفاً برای ادراک مادیات و ظواهر کافی است و برای ادراک روابط بین همین ظواهر با یکدیگر ۶ بر خلاف گفتمان منجر از عقل استدلالی ۷ می‌توان با عقل شهودی، باعث عمق‌بخشی و ریشه‌شناسی هنر و زیبایی‌شناسی شد (نصر، ۱۳۸۳ ج: ۷؛ نصر، ۱۳۹۴: ۲۶۰).

مترادف‌شناسی

در جمع‌بندی آرای فلاسفه به‌صورت کل-پیرامون رابطه فلسفه و زیبایی‌شناسی فلسفی-می‌توان به این گفتار رسید که، آن‌ها تلاش می‌کنند با شناخت وجود و موجودیت، از این منظر به هستی‌نگریسته تا نسبت وجودی هر پدیده‌ای دیگری را با آن سنجیده و رابطه‌یابی نمایند. به بیانی دیگر، فلسفه در بُعد زیبایی‌شناسی، تلاش دارد که اتحاد بین عقل و اثر هنری را از طریق، جایگاه‌شناسی کارکردی آن در معرفت‌آفرینی، به‌عنوان شاخصی برای ارزش‌گذاری آن معرفی کند. سنت‌گرایان فلسفی، با دغدغه‌هایی که برای جایگاه جاودان خرد، قائل هستند، تلاش دارند مسیر اثباتی فوق که محدود به حیطه ادراک بشر است، به ترسیم قضایای منطقی در مسیر آفرینش زیبایی هنری بپردازد، ولی به نفعی خالق هستی نیانجامد. در این بین، می‌توان گفتمان برخی از سنت‌گرایان در ادیان ابراهیمی را به یکدیگر، نزدیک دانست. آن‌ها «حکمت» را مترادف با فلسفه استدلالی می‌دانند و معتقدند حکمت به معنی علم و دانش و منطق و استدلال برای «منع» از فساد و انحراف است به‌گونه‌ای که روش تبلیغ و تحریک اذهان مخاطبان به‌سوی همان جاودان خرد است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲: ۱۱/۴۹۱).

از سویی دیگر، یک‌سانی نسبی نگاه این ادیان درباره عدم خودانگیختگی هستی از عدم، به معنی نقطه اشتراک آنها درباره فلسفه زیبایی‌شناسی و ماهیت ذاتی هنری است. این اشتراک در استدلال، در عمل از اصل باطل بودن دور تسلسل نزد فلاسفه بهره جسته و در مورد اصالت جوئی هنری، به شاخصی بنیادین که میزان و کیفیت معرفت‌آفرینی الهی هر اثر را شاخص ارزش‌گذاری آن می‌داند، معرفی می‌کند. همین گفتمان اصالت جوئی، نه تنها در بُعد هنری، بلکه در بُعد روش استدلالی خود، ابزاری برای سنجش میزان ارتباط با حقیقت نیز قرار می‌گیرد.

متضادشناسی

یکی از روش‌های مرسوم برای رسیدن به شناخت از هر پدیده‌ای، متضادشناسی آن است. زیرا به تکمیل یا تصدیق شناخت حاصل

اکتسابی‌اش، از جاودان خرد به مثابه حقیقت ذات هنر، در فطرت خود بهره می‌برد. در این بین، ممکن است هنرمند نتواند فرایند و چگونگی خلق اثر را به زبان بیان کند؛ بنابراین، زیبایی‌شناسی در دیدگاه سنت‌گرایان، صفتی برگرفته از ذات جادوان خرد است که به اثری جاودانه و دور از دسترس عقلانی منجر می‌گردد که برگرفته از عظمت موجود در خرد جاویدان بوده و همه را به تسلیم و تایید می‌رساند. «هنر دینی (مقدس) اکثر، هدف زیبایی‌ظاهری را نادیده می‌گیرد و زیبایی آن بیش از هر چیز از حقیقت معنوی و بنابراین از دقیق بودن جنبه رمزی و تمثیلی آن و نیز از فایده آن برای اعمال آیینی و مشاهده عرفانی سرچشمه می‌گیرد و عوامل سنجش‌ناپذیر ذوق شخصی فقط یک عنصر فرعی است» (شوان، ۱۳۷۶: ۹۷) به دیگر سخن، جمال در دیدگاه سنت‌گرایان فلسفی، ترکیبی از صورت (ضمیر مکنون) و ذات (ارتباط درونی اثر با جاودان خرد) پدیده هنری است.

ماهیت‌شناسی

از مطالب گفته شده توسط سنت‌گرایان، می‌توان به این نتیجه رسید که، در جهان خارج تنها نمودهایی از زیبایی مطلق (جمال) که به متن هستی برمی‌گردد، داریم که جنبه‌هایی از آن هستند و بر اساس وجود اعتباری و قراردادی هر پدیده‌ای، توانایی بروز آن را تحت نام «زیبا (جمیل)» دارند. از لحاظ ارتباط بین مفهوم (زیبایی/جمال) با مصداق (زیبا/جمیل)، سنت‌گرایان معتقدند: همواره وجود مساوق با زیبا (جمیل) است؛ یعنی وجود زیباست، و زیبا، وجود است. به دیگر سخن، صرفاً در حالت مجازگویی درست است که زیبایی را مساوی با وجود و هستی بدانیم، و بر همین اساس نتیجه بگیریم که تمام عالم هستی، در کلیت جمال، در جزئیت جمیل است.

بر اساس قاعده وجود واحد بسیط، عالم هستی به واسطه وجود داشتن، حقیقتی واحد (وجود واجب تعالی) دارد.

وجود واجب تعالی، نمود اثباتی خود را از طریق موجود بودن هستی نمایان کرده است. یعنی، می‌توان گفت سنت‌گرایان با این گفتمان فلسفی، زیبا (جمیل) را نمودی (وجودی) از زیبایی (جمال) می‌دانند. پس زیبایی‌شناسی در نگاه ایشان، نوعی جمال وجودی معنی می‌گیرد (شیخ‌الرئیس، ۱۴۰۴: ۳۶۸-۳۶۹ و (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۳۵؛ همان، ۱۳۶۸: ۱۸۲/۷). هر چیزی که تکویناً از وجود بهره‌مند است، خیر و زیبا است، و هر چه که از وجود بی‌بهره است شر و زشت خواهد بود. زیبایی از ذات خداوند

شده از ذات یا اثرات آن کمک می‌کند. در بُعد تعریف، زیبایی حالت اثباتی هنر در نزد سنت‌گرایان فلسفی است. آن گونه که می‌توان گفت، «زیبایی تجلی حقیقت است، حال آن که زشتی، تجلی نیستی است» (ملاصدرا، ۱۳۶۸: ۳۴۲/۱)؛ و در مقابل آن «زشت»، مفهومی سلبی و انتزاعی است. به نظر می‌رسد که رابطه این دو، رابطه «وجود و عدم وجود» است و بیان‌گر فقدان زیبایی به صورت مطلق است. یعنی اعتقاد سنت‌گرایان فلسفی، این گونه است که گرچه زشتی و نیستی نسبی است، ولی ماهیتا وجود آن متکی بر وجود زیبایی است. یعنی زیبایی با بهره‌مند شدن از زیبایی فی‌نفسه (زیبایی الهی) زیبا می‌شود؛ اما نمی‌توان گفت که زشت با بهره‌مندی از «زشتی فی‌نفسه» زشت می‌شود. در این زمینه از فریتهوف شوان، نقل شده است: «زشتی در هر چیزی است که به صورت عرضی یا جوهری، صناعی یا طبیعی، نمایان‌گر فقدان حقیقت وجودی، فقدان خیر ذاتی یا به عبارت دیگر، فقدان واقعیت باشد. زشتی، تجلی یک عدم نسبی است؛ تجلی عدمی که تنها با انکار یا افساد عنصری از هستی و بدین سان، عنصری از زیبایی می‌تواند وجود خود را اظهار کند. در یک کلمه، زشت مانند همه تجلیات عدمی، واقعیت یک عدم واقعیت و یا امکان یک عدم امکان است» (بینایی مطلق، ۱۳۸۱: ۳۲).

ساختار شناسی

به صورت کلی می‌توان «جمال» را به عنوان نمود نهایی (بالفعل شده) هنر (بالقوه)، غایتی نامید که سنت‌گرایان آن را ابزار قریحه سازی متناسب با تدبیر هنرمند دانسته‌اند. ولی تفاوت نگاه سنت‌گرایان و فلاسفه مدرنیستی درباره عقل استدلال‌گر و شهودی، در زمینه ساختار زیبایی‌شناسی و حتی مفهوم خود ساختار هنر نیز حاکم است. سنت‌گرایان معتقدند که، گرچه جمال و صورت اثر هنری ترکیبی است متشکل از اشیاء، ابزار و مصالح عصر مدرن، اما معرفت‌شناختی هنرمند، مدرن نیست. زیرا -آنگونه که سنت‌گرایان معتقدند- بنابر اصل هرمس -هر پدیده حتی در پایین‌ترین سطح، بیان‌گر جوهره خود در بالاترین سطح است- ماده هنر اسلامی، نمادی رمزآمیز از صورت، محتوا و حقیقت آن است. پس هنر سنتی و مقدس در اسلام بیش از هر چیزی، بیان‌گر واقعیت و حیانی و آسمانی آن‌هاست (Nasr, 1999: 144)؛ و از آن‌جا که خداوند، حسن و زیبایی را در همه اشیاء آفریده است، پس هنر اسلامی، درک و تجربه عمیق این زیبایی را در آثار هنر سنتی ممکن می‌سازد (Ibid: 152).

آنها معتقدند هر موجود با شعوری، به میزان لیاقت ذاتی و

الف) شاخص آفرینش (قدرت)

هنر در دید سنت‌گرایان، آفرینشی است که از شیوه و محتوا معمول مصنوعات بشری، برتر است. احتمالاً، بر اساس استناد به منابعی که مثلاً خداوند در قرآن آفرینش هستی را به گونه‌ای توصیف می‌کند که دست‌نیافتنی و بر خواسته از توانایی محض خالق است (البقره، آیه ۱۶۴). لذا سنت‌گرایان نیز برحسب معیارهایی، تلاش می‌کنند که آفرینش در بعد زیبا آفرینی را با چنین معیارهایی تعریف کنند. به دیگر سخن، آنان ایده‌آل‌ترین نوع آفرینش را مختص به خالق هستی می‌دانند که در قدرت، دانایی و توانایی محض است و بشر را نیز بر اساس توانایی‌های خدادادی و اکتسابی‌اش، شامل توانایی آفرینش هنری می‌دانند. مفهوم قدرت در آفرینش، خود را به دو صورت در متون سنت‌گرایان نشان داده است. آنان زیبایی و نیکویی در آفرینش هر موجودی را به داشتن نظم و سامان درونی، از یک سو و هماهنگی او با هدفمندی آفرینشش می‌دانند. به دیگر سخن، یعنی نظم داخلی او، سامانی باشد هماهنگ با راه و هدفی که در پیش دارد، به طوری که عقل جمعی با آگاهی از هدف آفرینشش و توان بالقوه در آن، بتواند دست‌یابی به هدف آفرینشش را تأیید کند. پس می‌توان نتیجه گرفت، سنت‌گرایان قدرت در آفرینش را در داشتن هم‌زمان هدف، توان و روش دست‌یابی بدان هدف می‌دانند (URL1).

نکته بسیار بااهمیت درباره چنین شاخصی، بیان سنت‌گرایان از مفهوم ادراک مخاطب است. آنان قدرت در آفرینش را مستقل از تنوع در ادراک مخاطب نمی‌دانند. به دیگر سخن، آنان معتقدند که قدرت در آفرینش یک پدیده، با میزان کمی و کیفی ادراک مخاطبش رابطه مستقیمی دارد. به تعبیر دیگر، این هنرمندی یک پدیدآور است که آفریده را به گونه‌ای خلق کند که اقتضای زمان - مکان - مخاطب، باعث تنوع در برداشت مفهومی از آن گردد؛ نه این که صرفاً برای قشری خاص، در زمانی معین دارای معنی واحد باشد. به گونه‌ای که می‌توان گفت هنر اسلامی از عناصر بیزانسی، ایرانی و رومی تأثیر پذیرفته است، اما مولفه‌ها و پایه‌های دینی‌ای که موجب شده تا این عناصر متباین در ترکیبی واحد جمع گردد، امری مهم‌تر هستند (بوکهارت، ۱۳۹۶: ۶۵). هم‌چنین آنان معتقدند، همان‌گونه که خالق توانا اگر بخواهد قدرت این را دارد که آفریده‌ای با کمیت اندک، اثری کیفی و بزرگ را بر مخاطب بگذارد، پس شاخص قدرت در آفرینش بدین معنی نیز خواهد بود که نظام دوسویه‌ای نیز بین کمیت و کیفیت یک آفریده با ثمربخشی آن برقرار گردد. مثلاً

زیبانشات می‌گیرد و «هنر» تجلی و انعکاس این زیبایی است. پس گونه‌های خلقت را باید شناخت تا بتوان به نمادهایی از زیبایی رسید که نشان‌دهنده و متجلی‌کننده زیبایی تکوینی در نظام خلقت هستند و بتوان از آن‌ها در معماری نیز بهره برد.

ارزش‌شناسی

آن‌گونه که از بیان برخی سنت‌گرایان برمی‌آید، می‌توان بیان کرد، آن‌ها هر اثر هنری که به واسطه برانگیختگی خیالات هنرمند و در چارچوب اصالت جویی جاودان خرد، شکل‌گیرد را به واسطه جذب و جلب توجه مخاطب به آن ۹ دارای رابطه مستقیمی با ارزش زیبایی‌شناسی‌اش می‌دانند (شوان، ۱۳۷۲: ۹۶). به دیگر سخن، آن‌ها معتقدند که برای ارزش‌شناسی یک اثر هنری، به میزان موفقیت آن در ایجاد برانگیختگی فطری مخاطب، باید توجه کرد. «هیچ اثر مقدسی نیست که صورتی غیردینی داشته باشد. بینش روحانی ضرورتاً به زبان صوری خاص بیان می‌شود. هر هنر مقدس مبتنی است بر دانش و شناخت صورت‌ها است ... بی‌گمان روحانیت و معنویت در ذات، مستقل از صورت است؛ اما این ابداء بدین معنی نیست که می‌تواند به هر شکل و صورتی بیان و ابلاغ شود ... این سنت است که با نقل و انتقال الگوهای مقدس، اعتبار روحانی صورت‌ها را تضمین می‌کند» (بوکهارت، ۱۳۹۶: ۷-۹). هم‌چنین برخی دیگر از سنت‌گرایان معتقد هستند که، «هنر دینی به خاطر موضوع یا کارکرد مربوط به آن است که «دینی» محسوب می‌شود؛ نه به خاطر سبک، نحوه آفرینش، نمادگرایی و منشای غیر فردی آن. هنر سنتی، سنتی است نه به خاطر موضوع و محتوای آن بلکه به خاطر انطباق و هم‌خوانی آن با قوانین کیهانی صور و با قوانین نمادگرایی و با ماهیت صوری جهان روحانی ویژه‌ای که در آن به وجود آمده است» (نصر، ۱۳۸۱: ۲۱۰؛ بوکهارت، ۱۳۹۶: ۲۲).

شاخص‌شناسی

منظور از شاخص‌شناسی، این‌گونه مراد شده است که، عوامل موثر بر تعریف زیبایی‌شناسی، فارغ از سؤالات کارکردی و ماهیتی، بر اساس دیدگاه اشتراکی سنت‌گرایان چیست؟ بر این اساس، می‌توان از میان آرای سنت‌گرایان، عوامل اصلی و پرتکراری را یافت که در شکل‌گیری جنبه‌های مختلفی از چارچوب زیبایی‌شناسی آنان مؤثر است. برخی از این عوامل در زیر اشاره گردیده است (URL1).

جمله زیبایی‌شناسی و آفرینش هنری است. پس می‌توان نتیجه گرفت، شرط زیبا بودن هر مخلوق هنری جدید از نظر ایشان، تناسب و هماهنگی کامل (درونی و برونی) است. نکته مهم، تنوع‌بخشی در آفرینش است. یعنی تنوع و انتظام هم‌زمان، نه تنها پارادوکس و متضاد نیست، بلکه اوج هنرمندی آفریننده است، و همان گونه که تنوع در اکوسیستم هستی، باعث اثرات بسیار مثبت شده است، در آفرینش هنری نیز همین تنوع اثرات مستقیم، غیرمستقیم و مثبتی دارد.

اولین حالت آن است که جمیل، با یکی از انواع حالات زیبایی‌آفرینی در هنر، تطابق و مشابهت در عین ناهم‌جنسی دارد؛ ۱۲ مثلاً ممکن است ماهیت چند پدیده متفاوت باشد، ولی با ذوق و هنر، آن گونه کنار یکدیگر بنشینند که اثر دفعی خود را به جذبی یا حداقل بی‌اثر تبدیل کنند (هم‌نشینی هم‌افزا).

البته معنی دومی نیز می‌توان از تبدیل برداشت کرد. آن هم قابل‌گسترش بودن یک زیبایی، به هم‌جنس‌های خود است. مثلاً آن چه که باعث ایجاد زیبایی در ظاهر یک اثر هنری است، باعث کیفیت آفرینی در باطن آن نیز گردد (گسترش هماهنگ). به نظر می‌رسد می‌توان آیات و حیاتی محکمی نیز در این باره یافت که منبع چنین ویژگی‌ای در بیان فلاسفه سنت‌گرا، به نام «دقت، اتقان و استحکام» گردیده است (سجده، آیه ۷؛ ملامصدر، ۱۳۶۸: ۱۸۱/۷). برخی از سنت‌گرایان، چنین ویژگی را تنها حالت هم‌رده با واژه حکمت در آفرینش می‌دانند (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۴۲۱).

نوع سوم این شاخص، اثر گسترشی است که یک زیبایی بتواند تحریک، تقویت یا آغازکننده زیبایی در ترکیبی از زیبایی‌های هم‌گون دیگر گردد. یعنی بتواند در همه حواس پنج‌گانه و عقل و روح مخاطب، تغییری برای کمال خواهی و زیبایی‌شناسی از، جمال حقیقی را ایجاد کند. به نظر می‌رسد این جنبه از زیبایی‌شناسی، آن گونه مورد توجه ادیان ابراهیمی قرار دارد که مثلاً در دعای سحر آمده است، جمال و جمیل محض خدا است، و اعتراف به این امر، ارزش معنوی بسیار بالایی دارد که می‌توان آن را دلیلی بر استجاب دعا کرد. همان گونه که در دعای سحر می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلِّ جَمَالِكَ جَمِيلٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِجَمَالِكَ كُلِّهِ؛ خدا یا از تو درخواست می‌کنم به حق نیکوترین مراتب جمالت در صورتی که تمام مراتب جمالت نیکو است، خدایا پس درخواست می‌کنم به حق تمام مراتب جمالت» (قمی، ۱۳۸۲: ۸۲۴).

ممکن است زیبایی در یک پدیده از سادگی‌اش منشأ گیرد یا در پدیده‌ای دیگر از هم‌نشینی هنرمندانه اجزای ساده و مستقل.

ب) شاخص پدیدآوری و ابداع (بدعت)

ریشه و جنس بداعت از نظر سنت‌گرایان در هنر اسلامی، انتزاعی ۱۰ است که ریشه در وحدانیت الهی و تسری بخشی آن به هنر آفرینی انسانی است. زیرا «اسلام، مبتنی بر وحدانیت خداوند است که با هیچ تصویری قابل نمایش نیست» (Burckhardt, 2001: 135; Nasr, 1999: 144). به دیگر سخن، به نظر می‌رسد بر اساس آیات و حیاتی هم‌چون، سنت‌گرایان فلسفی معتقدند هنگامی که آفرینش هنری، بدون سابقه و پیشینه و دارای معیارهای زیبایی‌شناسانه و منسجم باشد، می‌توان تصور کرد ذهن مخاطب بشری آن، به واسطه صفت خارق‌العاده بودنش، آن را دارای درجه اهمیت و زیبایی بیش‌تری نسبت به آنچه که آفرینش هنری دارای سابقه و مواد اولیه است، می‌داند (آل عمران، آیه ۴۷؛ الانعام، آیه ۷۳). از ترکیب بداعت انتزاعی می‌توان به شاخص نوآور بودن خلقت ۱۱ دست یافت. بدیهی است چنین نوعی از آفرینش، در دیدگاه سنت‌گرایان متعلق به خالق هستی و در سلسله‌مراتب هستی، با تنزل فراوان و در شرایط خاصی «از قوه خیال به شیوه نماد و رمز‌گویی» به بشر منتقل می‌گردد (بوکهارت، ۱۳۹۴: ۲۸۳؛ العنکبوت، آیه‌های ۱۹ و ۲۰؛ یونس، آیه ۳۴؛ النمل، آیه ۶۴؛ الروم، آیه‌های ۱۱ و ۲۷). آن چه که در این بین نیاز به پژوهش جداگانه‌ای دارد، کیفیت نوآوری هنری از دیدگاه سنت‌گرایان است. زیرا بر اساس همین کیفیت می‌توان گفت که نوآورانه بودنش، هم‌جنس و هم‌راستا با اهداف خلقت و فطرت بشری است یا خیر.

ج) شاخص تبدیلی (حکمت)

به نظر می‌رسد که سنت‌گرایان، گفتمان‌های متنوعی درباره کیفیت رابطه جمیل (آفریده دارای بارقه‌هایی از جمال) با سایر آفریده‌ها دارند. برخی از آن‌ها مستقیماً و برخی پراکنده و غیرمستقیم، حالاتی را از این شاخص بیان کرده‌اند که لزوماً به قصد چنین دسته‌بندی‌ای نبوده است. آنان معتقدند، اگر پدیده‌ای، بخواهد دارای زیبایی باشد، علاوه بر انتظام درونی، با نظام آفرینش هستی تناسب داشته یا در نزاع نباشد. به عبارت دیگر، سنت‌گرایان با اعتقاد به اتقان محض در آفرینش عالم، معتقدند نظام هستی غالب بر همه نظام‌های دیگر، از

د) شاخص تاثیر گذاری انطباقی (مشمولیت)

به نظر می‌رسد که قواعدی که در آفرینش یک پدیده به صورت کوچک مقیاس یا مستقل، باعث ایجاد زیبایی در آن شده است، هر میزان که با افزایش کمی (بزرگ‌تر شدن مقیاس آن) و کیفی (افزوده شدن بر جنبه‌هایش) آن، مواجه شود باز هم می‌تواند اثر گذاری خود را حفظ کند؛ و به اصطلاح، در حالت جدید نیز مشمول قاعده قبلی گردد. این مشمولیت همه‌گیر، بر طبق آموزه‌های فلسفی و ادله درونی ادیان ابراهیمی، اتفاقی است که در آفرینش جهان با این عظمت، افتاده است و ممکن و عقلانی بودنش، به اثبات رسیده است و ایده‌آل‌ترین حالت ممکن آن تنها در توان حق تعالی است و بس. درجات تنزل یافته‌ای در سلسله مراتب طولی خلقت، به انسان رسیده است که بر اساس اقتضا، خود را در هنرمندی او نمایش می‌دهد. به نظر می‌رسد، مفهوم «سازگاری» در کتب وحیانی، منبع اصلی این شاخص در نزد سنت‌گرایان است. زیرا گفتمان آن، به صورت صریح یا در برخی موارد تلویحی، بر چنین نیازی صحنه می‌گذارد. مثلاً در آیات قرآن، تطابق با هدفمندی، از مفهوم سازگاری استنباط می‌شود (سجده، آیه ۷). در اندیشه سنت‌گرایان، هنرمند حقیقی کسی است که بتواند جمال وجودی ۱۳ را ارائه کند، نه جمال و زیبایی قراردادی و اعتباری ۱۴ را. مشمولیت در جمال وجودی، امری فطری است که در آن، اقتضای «زمان - مکان - مخاطب» جایی ندارد؛ و چون برگرفته از وجود خود پدیده است، در هر مقدار (کمیت) و حالتی (کیفیت) زیبایی را تداعی می‌کند.

هم‌چنین در تکمیل مفهوم سازگاری، می‌توان دریافت که سنت‌گرایان معتقد به مفهوم «جاودانگی» نیز هستند. زیرا تداوم ناشی از سازگاری بین یک آفریده با نظام هستی می‌تواند باعث شود که اقتضای زمان - مکان، اهمیتی نداشته باشد. می‌توان نتیجه گرفت که ترکیب این دو مفهوم در نزد سنت‌گرایان، معنی مشمولیت را تداعی می‌کند. مشمولیت بالا، باعث ایجاد اعتبار و شاخص‌شدگی (شاهکار) آفریده می‌شود. به گونه‌ای که، می‌توان گفت ادراک آن در مخاطب ایجاد ملال نکرده، بلکه مفهوم اقتضا (زمان - مکان - مخاطب)، نقش سازنده‌ای برای نمایان شدن افق‌های جدیدتری از معانی را ایفا می‌کند. این دقیقاً بر خلاف حالتی است که تاثیر و ادراک آفریده در محدوده خاص زمان - مکان - مخاطب باشد.

نمودشناسی

می‌توان نمودهای کلی از تجلی خداوند را از منظر سنت‌گرایان،

جهان، انسان و دین، دانست که به واسطه ارتباط محتوایی و هویتی آن‌ها با یکدیگر، برای شناخت هر کدام باید دیگری را نیز شناخت (نصر، ۱۳۹۴: ۵۴۱). تفکر کلی سنت‌گرایان، این است که انسان به واسطه شعور و حق انتخاب نسبی اش، به همان اندازه که حق دارد برای بهره‌مندی از آن دو، نسبت به آنان وظایفی نیز دارد که توسط جاودان خرد، یا همان شارع مقدس در ادیان ابراهیمی به وی رسانده شده است.

هدف‌شناسی

وجود چارچوب ارزشی - محتوایی در هنر و زیبایی‌شناسی، نزد سنت‌گرایان فلسفی، باعث شده که نیل به جاودان خرد به مثابه رواق معرفت‌شناسی الهی، تبدیل به هدفی هنری و تعهدی اخلاقی گردد. در این دیدگاه هنر به‌عنوان نماینده فضای فکری و آفرینشی عاملان هنر، دارای چارچوبی است که تعهد به آرمان‌های الهی (جاودان خرد) را بر تعهد به آرمان و خواست متغیر اجتماعی ترجیح می‌دهد. زیرا تعهد هنری از دیدگاه سنت‌گرایان فلسفی، چارچوبی هدفمند مبتنی بر فلسفه و استدلال‌های عقلی، و ادراک شهودی مبتنی بر فطرت است که تعهد نیز ایجاد می‌کند. در این زمینه، از اقبال لاهوری نقل شده است که می‌گوید: «هنر عالی و کامل آن است که نیروی اراده را بیدار کند و انسان را یاری دهد تا مردانه با رویدادها و آزمایش‌های زندگی روبه‌رو شود و هر هنری که خواب‌آور و افیون اثر باشد و حقیقت هستی و حیات را بیوشاند، مایه تباهی و مرگ خودی است» (مجتبایی، ۱۳۹۲: ۷۲). حال آن که در سوی مقابل، تعریف کارکردی هنر و زیبایی‌شناسی مترتب بر آن، در بیان «ژیل دلوز» این‌گونه است: «هنر، میدان زورآزمایی فلسفه با نوعی مشتق زیبایی‌شناختی از فلسفه نیست؛ بلکه گستره‌ای از امکانات است که به تولید اشکال نوینی از ادراکات و تاثیرات، خارج از حوزه دید فلسفه می‌انجامد. کار فلسفه، تولید مفاهیم است، اما استفاده از این مفاهیم، برای توضیح و تشریح کار هنر، پیشاپیش سرکوب امکانات هنر است» (روشنی پایان، ۱۳۹۳: ۲۹ - ۳۰).

یافته‌ها

گفتمان زیبایی‌شناسی در نزد سنت‌گرایان، برگرفته از سازمان علی - وجودی است که هدفمندی در آفرینش هر پدیده‌ای را بیش و قبل از هر چیزی، مشابه نمود حکمت در معماری اسلامی، به قادر بودن (هندسه در معماری اسلامی) و نهایتاً برپایی قسط و عدل الهی (مشابه مفهوم در معماری اسلامی)، می‌داند. به نظر

نمودار ۲. تطبیق محتوای زیبایی‌شناسی در حکمت سنت‌گرایی و معماری اسلامی به شیوه تطبیق محتوایی (ماخذ: نگارندگان).



می‌رسد، منظور از عدل الهی، فراهم‌سازی فرصتی مشخص برای هر فرد به‌منظور کسب جایگاه شایسته خود از جمله از ذات جمال الهی است و از لوازم و شرایط بهره‌بردن از چنین فرصتی، زیبایی‌شناسی و زیبایی‌آفرینی است. زیرا بدون ادراک بر خواسته

جدول ۳. چارچوب گفتمان زیبایی‌شناسی (فلسفی-حکمی) برای معماری اسلامی از جنبه محتوایی (ماخذ: نگارندگان).

زیبایی	شناخت	ابزار شناخت	نوع	بیان معماری	مصادق	رویکرد معنایی در زیبایی‌شناسی معماری	زیبایی
زیبایی	شناخت عینیت قابل تجربه در ساحت‌های قابل وجود	حواس پنج‌گانه و ادراک حصولی آنها	جزیی‌نگر	عناصر فرمی، شکل و هندسه به‌صورت مستقل یا چیدمان ترکیب شده، موجب کیفیت فضایی است.	نظام عینی (کالبد)	زیبایی را خصوصیتی برگرفته و مساوق با وجود کالبدی می‌دانند و استفاده از بیان فرم گونه در فرایند طراحی را برتر از مفهوم معماری، و صرف‌بستری برای آن می‌دانند.	زیبایی
	شناخت ماهیت برگرفته از خصوصیات وجودی و ذاتی	حس و ادراک شهودی و حصولی	کلی‌نگر	هیئت و ترکیب کلی کالبد معماری، تعریف‌کننده نقش، ارتباط و مفهوم فضای معماری است.	نظام ذهنی (فضا)	به‌صورت ترکیب گونه و کلی به تعریف زیبایی قابل بروز در کیفیت فضای معماری پرداخته‌اند و مفهوم آن را بر کالبد و فرم عناصر دارای ارجحیت می‌دانند هر چند برگرفته از آن باشد	
	زیبایی‌شناسی فلسفی	متضاد و مترادف شناسی	جزیی‌نگر	عناصر و اجزای معماری در کنار یکدیگر، ترکیب‌بندی و کارکردپذیری خاصی دارند.	نظام کارکردی	بررسی رابطه و تاثیر شناسی کارکرد متقابل بین عناصر کالبدی، در حالات و اشکال مختلف (مترادف و متضاد) نسبت به یکدیگر و اهداف	
	فلسفه زیبایی‌شناسی	ساختارشناسی	کلی‌نگر	عملکرد کلی هر بنا، برگرفته از اجتماع کارکردی عناصر و چیدمان آنها در قالب یک بنا است.	نظام عملکردی	توان سنجی کیفی فضاها در رابطه با چگونگی دست‌یابی به اهداف عملکردی به‌صورت متقارن و هم‌زمان با اهداف زیبایی‌شناسی	
	زیبایی‌شناسی مصداقی	گونه‌شناسی	جزیی‌نگر	کمیت عناصر و اجزای معماری دارای مفهوم و کارکرد معنایی است، خواه هم‌جنس باشند خواه ناهم‌جنس	اجزاء عناصر فیزیکی	مفهوم‌شناسی از عناصر معماری به‌صورت تجریدی و در بستری محیطی (زمان - مکان) مختلف و از دیدگاه مخاطب متنوع انسانی	
	زیبایی‌شناسی مفهومی	نمادشناسی ارزش‌شناسی	کلی‌نگر	هم‌نشینی عناصر و اجزای معماری در یک قالب، پیامی فراتر از وجود مستقل هر یک از آنها دارد.	اجزاء عناصر بصری	شناخت و تطبیق شاخص‌های قابل ادراک از ریتم عناصر معماری با اهداف طراحی و تاثیر شناسی آن در فضای ادراکی مخاطب از بنا	
	روش‌شناسی	فرایندشناسی	جزیی‌نگر	توجه به الزامات طراحی برای افزایش انطباق خواسته با ساخته، باعث افزایش کارایی روند طراحی تا بهره‌برداری است.	نظام قوانین اجرایی	توان آفرینشی و روش دست‌یابی به اهداف معماری، باید در فرایندهای طراحی و ساخت، پیش‌فرض قرار گیرند	
	معرفت‌شناسی	سیستم (سامانه) شناسی	کلی‌نگر	توجه به اصول و ارزش‌های معماری پایدار، باعث افزایش توجه پذیری، قدمت و ارزش فرهنگی - تاریخی بنا است.	نظام مهندسی ارزش	ارزشمندی یک بنا نباید در اقتضای خاصی از زمان - مکان - مخاطب، محدود گردد. چندکاره بودن، مایه ارزش است.	

مختلف این مقوله در کلام سنت‌گرایان معاصر، کثرتی بود که در این پژوهش سعی گردید در یک هم‌افزایی با مفاهیم مطرح در حکمت معماری اسلامی، به نظامی محتوایی و روشی منجر شود که مسیر طراحی و ارزش‌یابی آثار معماری را سازمان‌دهی کند. هم‌چنین، با توجه به نقش و جایگاه مهم طراحی در معماری از یک سو، و اهمیت روشی برای بهره‌گیری از مبانی نظری از دیگر سو، دست‌یابی به الگوی زیبایی‌شناسی در هر نگرش و سبک طراحی، یکی از مهم‌ترین نیازهای سازمان‌دهی به فرایند طراحی است. در این بین می‌توان به مفهومی مشترک بین مبانی نظری و طراحی پژوهی اشاره کرد به نام «واقعیت» که محتوایی قابل اتکا در مبانی نظری دارد و از لحاظ روشی، مناسب‌ترین راه برای سامان‌دهی به مطالعات طراحی پژوهی است.

به نظر می‌رسد کلیدواژه «واقعیت»، مفهومی مشترک بین حکمت و سنت نیز هست. زیرا میزان و کیفیت انطباق با شناخت پدیده را هم از نوع فلسفی و هم به دید حکمت، در بهترین و جامع‌ترین حالت خود، پوشش محتوایی می‌دهد. از سویی دیگر، در مواجهه روشی با مقوله زیبایی و طراحی، به منظور حفظ روایی و پایایی نظرات و تحلیل‌های بر خورده از

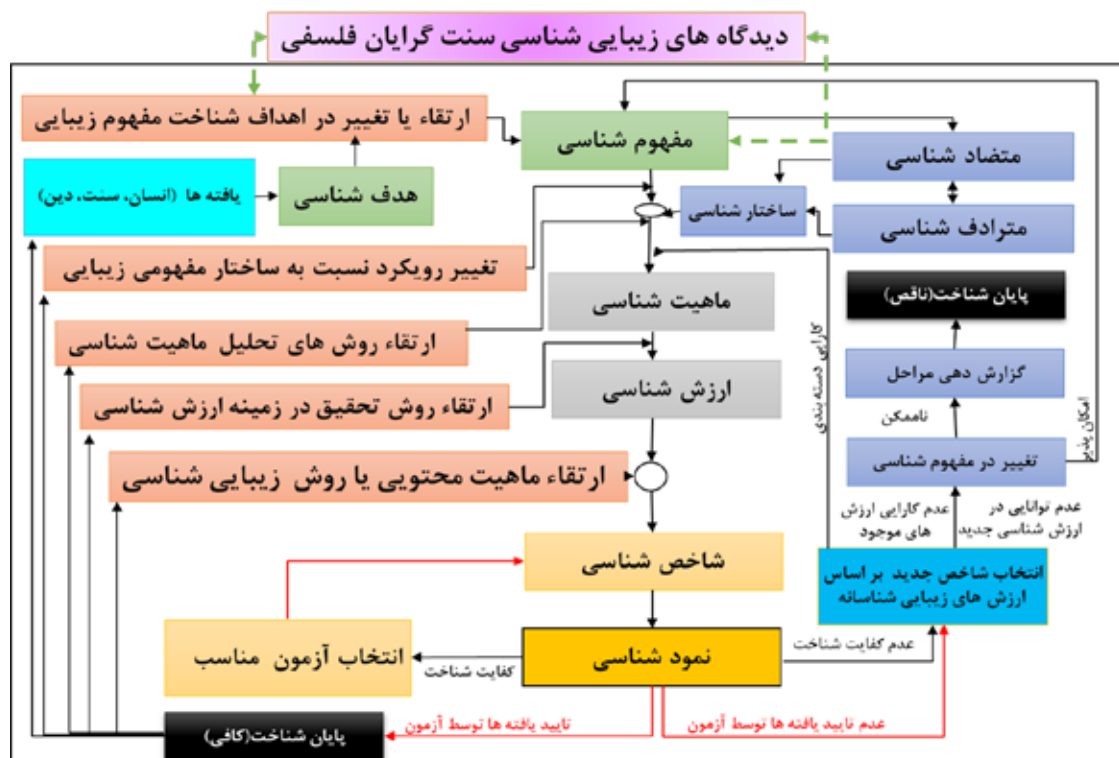
از تعقل و واقعیت (مقدمات و لوازم)، نیاز فطری بشر برای رسیدن به جمال خلقت، ناممکن می‌نماید. در نتیجه برای تبیین ارتباط بین معماری اسلامی و حکمت سنت‌گرایان فلسفی، می‌توان نظامات فوق را در چنین ارتباطی مفروض دانست:

زیبایی‌شناسی در نزد سنت‌گرایان، گفتمانی علمی - کاربردی برای «تاثیر‌پذیری و تاثیر‌گذاری» هم‌زمان، در رابطه با هستی است. لوازم شکل‌گیری چنین گفتمانی، شامل کمیت و کیفیت‌هایی است که با معماری اسلامی نیز مشترک است. انسان، سازنده و مخاطب معماری است، دین مفاهیم و معانی خاصی را به عنوان هدف از زیست بشری و معماری به او معرفی می‌کند؛ و سنت‌ها، شاخص‌هایی برای تعیین کمیت و کیفیت دست‌یابی به این اهداف معرفی می‌کنند. پس می‌توان گفت، جوادان خرد در نزد سنت‌گرایان، همان حکمت در نزد معماران اسلامی است و عناصر مشترک این تطابق بدین قرارند: انسان، سنت و دین.

نتیجه‌گیری

زیبایی‌شناسی در نگاه سنت‌گرایان، مقوله‌ای بارز و در نقش جان‌مایه برگرفته از جهان‌بینی هم‌سوی آن‌هاست. جنبه‌های

نمودار ۳. چارچوب گفتمان زیبایی‌شناسی (فلسفی-حکمی) برای معماری اسلامی از جنبه روشی (ماخذ: نگارندگان).



ضمن بازشناسی ابعاد مختلف گفتمان زیبایی‌شناسی در بین سنت‌گرایان، مراحل تطبیقی و تحلیلی را به گونه‌ای طی کند که تمامی مراحل تاثیر گذار در شکل‌گیری محتوی و ارزش هنری، به گونه‌ای پایدار حفظ گردند. بدین منظور، سر فصل‌های مختلف ارائه شده در این پژوهش بر اساس مطابقت محتوی هر بخش از آن با جنبه‌ای از مفهوم «واقعیت» شکل گرفت و با جای گذاری آن‌ها در نمودار ۳، می‌توان پژوهش در گفتمان زیبایی‌شناسی به صورت عام، و در نزد سنت‌گرایان فلسفی به صورت خاص را در قالب زیر برای استفاده معماران ارائه کرد.

آنان، کلیدواژه واقعیت به روش‌هایی اشاره می‌کند که، مستدل و عاقلانه بنماید. پس می‌توان دستاوردهای این پژوهش را در واقع، مسیرهای دست‌یابی به واقعیت در معماری قلمداد کرد (نمودار ۳). در ادامه، چارچوب محتوایی و برگرفته از یافته‌های این پژوهش، در نمودار زیر ارائه می‌گردد. پژوهش حاضر سعی نمود با نگاه ماهیت‌شناسانه، شناخت را ممکن و تکمیل کرده، و نسبت به تغییرات ناشی از محتوا یا روش تحقیق جدید، دارای رویه‌ای مشخص باشد. استفاده از روش تحقیق ماهیت‌شناسانه، باعث شد که پژوهش حاضر

پی‌نوشت

۱. فارغ از کمیت آن در نظام کالبدی.
۲. مثل نظام‌های مختلف کالبدی، هندسی، حجمی، و....
۳. تصویری است که به تصدیق درآمده است.
۴. نزدیک‌ترین وسیله وصول به درک حقیقت.
۵. برخلاف زیبایی‌شناسی نسبی گرا، منجر از عقل استدلالی و مقایسه‌گر.
۶. ادراک ذات پدیدآورنده هنر و زیبایی آن هم به صورت شناخت مطلق.
۷. شناختی حاشیه‌ای از اعراض، آثار یا رفتار ظاهری.
۸. برگرفته از آگاهی او از ذات و حقیقت هنر، و موجب زیبایی‌آفرینی در جمال می‌گردد.
۹. و تکنیک، شیوه، بیان، ظاهر و حتی خود هنرمند و....
۱۰. در مقابل هنر ناتورالیستی و واقع‌گرایانه
۱۱. تفکیک آثار بر حسب این که تا چه میزان وابسته به ماقبل باشد.
۱۲. جمع نقیضین در فلسفه محال است. ولی در هنر، معنی نقیض آن شدت را ندارد و هر چیزی را که هم جنس نباشد، شامل می‌شود.
۱۳. زیبایی ناشی از همگامی وجودی یک آفریده با آفرینش و خلق و ایجاد هستی که ادراک آن لذت روحی - اخلاق دارد.
۱۴. زیبایی اقتضایی که فقط قوه بینایی، یا شنوایی، یا بویایی مخاطب لذت می‌برد؛ اما عقل و شعور عالی انسانی خیر.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۹۶). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: پیام عدالت.
- آل سیدغفور، سید سجاد و معینی پور، مسعود (۱۳۹۶). «زمینه‌های عینی شکل‌گیری سنت‌گرایی در نظام فکری سیدحسین نصر»، سپهر سیاست، دوره ۴، شماره ۱۲، ۳۵-۵۸.
- آیت‌اللهی، حبیب‌الله (۱۳۹۸). مبانی نظری هنرهای تجسمی، تهران: سمت.
- احمدی، بابک (۱۳۹۹). حقیقت و زیبایی: درس‌های فلسفه هنر، چ. سی. ام. تهران: مرکز.
- اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰). حس وحدت، ترجمه حمید شاهرخ، اصفهان: خاک.
- اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵). حکمت و هنر معنوی: مجموعه مقالات، تهران: گروس.
- افهمی، رضا و زمان سلطانی، سحر (۱۳۹۱). «نگرشی به باورهای دینی در مسکن»، کتاب ماه هنر، شماره ۱۷۴، ۱۸-۲۳.
- امامی جمعه، سید مهدی و طالبی، زهرا (۱۳۹۱). «سنت و سنت‌گرایی از دیدگاه فریتیوف شسوان و دکتر سید حسین نصر»، الهیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۷، ۳۷-۵۶.
- الهیان، پگاه و عربیان، محمدرضا (۱۳۹۷). «تاثیر مذهب و سنت‌گرایی در شکل‌گیری شهرهای آیینی- اسلامی»، نخستین کنفرانس ملی شهر ایرانی اسلامی، تهران.
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۷۷). فرآیند طراحی شهری، تهران: دانشگاه تهران.
- بردباری، فرهاد؛ خوش بین خوش نظر، سیدرحیم و کاکائی، قاسم (۱۳۹۷). «رمزپردازی در هنر مقدس معماری اسلامی از دیدگاه سنت‌گرایی با تکیه بر نظریات تیتوس بورکهارت»، اندیشه معماری، سال دوم، شماره ۳، ۱-۱۴.
- بوکهارت، تیتوس (۱۳۹۶). هنر مقدس (اصول و روش‌ها)، ترجمه جلال ستاری، چ. هشتم، تهران: سروش.
- بینایی مطلق، محمود (۱۳۸۱). مبانی متفاوتی یکی زیبایی و هنر، در کتاب هنر و ماوراء الطبیعه، سید عباس نبوی، قم: دفتر نشر معارف.

- بنیای مطلق، سعید (۱۳۸۲). «فریتهوف شوان و معنای زیبایی»، مقاله در «خرد جاودان»، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران: دانشگاه تهران.
- تیموری، محمود (۱۳۹۴). «نگاهی انتقادی بر نظرات «فریتهوف شوان» در باره زیبایی‌شناسی اسلامی»، هنر و تمدن شرق، شماره ۷، ۱۱-۱۸.
- چراغی، رضا (۱۳۹۶). «سنت و سنت‌گرایی در معماری»، پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری، تهران.
- جانسون، مارک (۱۳۹۹). *زیبایی‌شناسی معنا و اندیشه*، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۸۱). *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جوادی آملی، عبد... (۱۳۷۵). *هنر و زیبایی از منظر دین*، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.
- حجت، عیسی (۱۳۹۱). *سنت و بدعت در آموزش معماری*، تهران: دانشگاه تهران.
- حجت، عیسی (۱۳۹۴). «سنت سنت‌گرایان و سنت‌گرایی معماران»، هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، شماره ۵، ۱-۱۶.
- دفتر مطالعات هنر دینی (۱۳۷۲). *مبانی هنر معنوی/مقالاتی از هانری کربن و ...*، تهران: دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- رحمتی، ان‌شاءالله (مترجم) (۱۳۸۳). *هنر و معنویت (مجموعه مقالاتی در زمینه حکمت هنر)*، تهران: فرهنگستان هنر.
- رزاقی هر یکنده‌یی، هادی (۱۳۹۵). «بررسی پدیده سنت‌گرایی و نقد آن»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی و علوم انسانی.
- روشنی پایان، میلاد (۱۳۹۳). «دلوز و نظام‌نشانها در حرکت-تصویر»، کتاب ماه فلسفه، شماره ۸۱، ۲۹-۳۸.
- رهنورد، زهرا (۱۳۹۴). *حکمت هنر اسلامی*، چ. دهم، تهران: سمت.
- سارتر، ژان پل (۱۳۹۸). *زیبایی‌شناسی*، ترجمه رضا شیر مرز، چ. ششم، تهران: قطره.
- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله (۱۴۱۹). *ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۹۳). «سنت‌گرایی و تکثر دینی»، فصلنامه فلسفه دین، سال یازدهم، شماره ۴، ۷۱۵-۷۴۰.
- شریعتی رودسری، مصطفی (۱۳۹۴). *حکمت هنر اسلامی*، جزوه دوره آموزشی حکمت هنر اسلامی، وبگاه اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان (URL1).
- شوان، فریتهوف (۱۳۷۲). «اصول و معیارهای هنر جهانی»، مجموعه مقالات مبانی هنر معنوی، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- شوان، فریتهوف (۱۳۷۶). «اصول و معیارهای هنر جهانی»، ترجمه سید حسین نصر، از مجموعه مبانی هنر معنوی، چاپ جدید، گردآوری علی تاجدینی، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- شوان، فریتهوف (۱۳۸۱). *گوهر و صدف عرفان اسلامی*، ترجمه مینو حجت، تهران: سپهروردی.
- شوان، فریتیف (۱۳۸۳). *اسلام و حکمت خالده*، ترجمه فروزان راسخی، تهران: هرمس.
- شوان، فریتهوف (۱۳۸۴). *اسلام و حکمت خالده*، ترجمه فروزان راسخی، تهران: هرمس.
- شوان، فریتهوف (۱۳۸۸). *منطق و تعالی*، ترجمه حسین خندق آبادی، تهران: نگاه معاصر.
- شیخ‌الرئیس، ابی‌علی حسین بن عبدالله بن سینا معروف به ابن سینا (۱۴۰۴). *الهیات من الشفاء*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ. پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- عباسی، ولی‌الله (۱۳۸۷). «جان‌هیک و کثرت‌گرایی دینی و عرفانی؛ تحلیل و نقد»، معارف عقلی، شماره ۱۲، ۱۲۱-۱۶۰.
- فاستر گیج، مارک (۱۳۹۹). *نظریه‌های زیبایی‌شناسی*، ترجمه احسان حنیف، تهران: فکر نو.
- فرشیدنیک، فرزانه (۱۳۹۸). *حکمت ایرانی در معماری اسلامی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- قمی، عباس (۱۳۸۲). *کلیات مفاتیح الجنان با علامت وقف*، ترجمه مرتضی احمدیان، تهران: پیام آزادی.
- گایر، پل و لوینسون، جروالد (۱۳۹۳). *زیبایی‌شناسی فلسفی و تاریخ زیبایی‌شناسی جدید*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: فرهنگستان هنر.
- گروت، یورگ گورت (۱۳۹۳). *زیبایی‌شناسی در معماری*، ترجمه جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، ویراست دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- گنون، رنه (۱۳۸۸). *بحران دنیای متجدد*، ترجمه حسن عزیزی، تهران: حکمت.
- لیمن، البور (۱۳۹۳). *درآمدی بر زیبایی‌شناسی اسلامی*، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی.
- مجتبیایی، فتح‌الله (۱۳۹۲). «اقبال لاهوری، روشنفکر دینی پیشین»، کتاب ماه دین، سال هفدهم، شماره ۶۸، ۶۸-۷۵، تهران: خانه کتاب.
- محدثی، جواد (۱۳۷۶). *هنر در قلمرو مکتب*، چ. سوم، قم: حوزه علمیه قم - دفتر تبلیغات اسلامی - مرکز انتشارات.
- محدثی، جواد (۱۳۸۶). *هنر دینی: واکاوی هنر در قلمرو مکتب*، ویراست دوم، قم: بوستان کتاب قم.
- مددپور، محمد (۱۳۸۳). *حکمت انسی و زیبایی‌شناسی عرفانی هنر اسلامی*، چ. سوم، تهران: سوره مهر.
- مطهری الهامی، مجتبی (۱۳۸۴). «هنر دینی در آراء بورکهارت»، فرهنگستان هنر (خیال)، شماره ۱۶، ۱۴۰-۱۴۹.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲). *تفسیر نمونه*، چ. سی و چهارم، قم: دارالکتب اسلامی.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۳۶۰). *اسرار الایات*، به تصحیح محمد خواجه‌ای، تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
- ملاصدرا، صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی (۱۳۶۸). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*، قم: المکتبه المصطفوی.
- منصور، سید امیر، تیموری، محمود (۱۳۹۴). «نقد آرای سنت‌گرایان معاصر در زمینه هنر و معماری اسلامی»، فیروزه اسلام، شماره ۱، ۱-۱۴.

- نجیب افلو، گلرو (۱۳۷۹). *هندسه و تزئین در معماری اسلامی*، ترجمه مهرداد قیومی بید هندی، تهران: روزنه.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۱). *معرفت و امر قدسی*، ترجمه فرزاد حاجی میرزائی، تهران: پژوهش فرزاد روز.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳ الف). *اسلام و تنگناهای انسان متجدد*، ترجمه ان شاء الله رحمتی، تهران: سپهروردی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳ ب). *آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام*، ترجمه شهاب‌الدین عباسی، تهران: سپهروردی.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۳ ج). *قلب اسلام*، ترجمه مصطفی شهر آیینی، تهران: حقیقت.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۹). *اصل وحدت و معماری قدسی اسلام*، تهران: حکمت.
- نصر، سید حسین (۱۳۹۴). *معرفت و معنویت*، ترجمه ان شاء الله رحمتی، تهران: سپهروردی.
- نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۵). «نسبت اسلام با فرایندهای انسانی فراتر از نظریه سلام (SALAM) طرح مدلی (بنیادی-کاربردی) در (ساختار، منابع، مبانی و ارزیابی) آثار هنری، معماری و شهرسازی از منظر اسلامی»، پژوهش‌های معماری اسلامی، دوره ۴، شماره ۳، ۴-۲۱.
- نقره کار، عبدالحمید (۱۳۹۶). *مجموعه مقالات از حکمت اسلامی در فرایندهای هنری و معماری*، قزوین: جهاد دانشگاهی.
- هاسپر، جان و اسکران، راجر (۱۳۹۸). *فلسفه هنر و زیبایی‌شناسی*، ترجمه یعقوب آژند، چ. چهارم، تهران: دانشگاه تهران.
- هاشم نژاد، حسین (۱۳۹۸). *زیبایی‌شناسی در آثار ابن سینا*، شیخ اشراق و صدر المتألهین، چ. سوم، تهران: سمت.
- هومن، ستاره (۱۳۹۶). «سنت‌گرایی»، دانشنامه جهان اسلام، شماره ۲۴، ۷۰۶-۷۱۲.
- Nasr, S.H. (1999). *The Spiritual Significance of Islamic Art*, Sophia, (2):141-153.
- Burckhardt, T. (2001). *Sacred Art in East and West: Its Principles and Methods*, Translated by Lord Northbourne, United States: World Wisdom.

URLs:

- URL1. <https://gilan.farhang.gov.ir> (access date: 11/02/2021)

Presenting a philosophical-wisdom aesthetic system in Islamic architecture

Abstract:

Discursive traditionalism in different areas of society has been before the emergence of modern times, which had an experimental and religious foundation by passing the evolutionary process. After the modern era and the rejection of the values of the preponderance and traditions, the discourse of contemporary philosophical traditionalists was created, which, by receding to the principles of tradition, tried to create discourse responsive to the social conditions of the contemporary man in modern art and aesthetics such as the concept of space and its physical aspect specifically in contemporary architecture. Therefore, the relationship between art and Abrahamic religions, which in the words of the traditionalists, is the source of confidence in the emergence of traditions and the aesthetics system in which they are present, has a significant amount of their research.

In the literature section, is expressed the scope of efforts to match the views of the traditionalists with the field of theoretical principles and foundation architecture, especially in Muslim societies, and it is pointed to the important fact that the way of expressing them is not in accordance with the diverse and changing needs of modern humans.

According to the purpose of this study, at first, the common concepts (as factors and concepts of synonyms) between wisdom and tradition were studied. It means the relationship between "Islamic wisdom" and "the perennial philosophy" in spiritual traditionalism was examined and investigated.

Then, the introduction of traditionalists and their distinguished measures in the field of answering the contemporary human questions about the content of their traditions and applications in the contemporary era has been discussed. Based on the results of these studies, it was found that there is a significant relationship between the Islamic traditions of the traditionalists and the Islamic wisdom. The selection of Islamic traditions from the traditions of all societies has been because the traditions have a general concept of culture, from cultural and social functions of the past nations to the traditions of prophets, however, wisdom in every category and period of time includes the interpretation, meaning, and particular field. Therefore, it should have been selected a share common point between these two general concepts, that according to the subject of the article, having the Islamic concept was chosen for selection them.

Next, according to the methodology of the current study, which is a qualitative model (it is based on a background analysis of existing resources and the derivation the of keywords to achieve general votes), the descriptive-analytical method was used to investigate the library resources. The progress of content presentation is as follows: first, the concept system in aesthetics view from the perspective of traditionalists, was presented in three aspects (aesthetics aspect (value system), fullness aspect (spiritual system), objective aspect (system), and it led to creating the formation of a process pattern from this content matching. Then, according to the same model, each part of it was analyzed from the closest views of the Isla mists to Islamic wisdom. Finally, all previous steps about merging, adapting and the content matching between the views of the traditional-

Document Type:

Original/Research/Regular Article

Receive Date: 13 January 2021

Accept Date: 03 July 2021

Hadi Farhangdoust

(Corresponding Author)

Master of Islamic Architecture, Faculty of Islamic Art and Architecture, Imam Reza International University, Mashhad, Iran

Email:

h.farhangdoust@imamreza.ac.ir

Alireza Bavandian

PhD in Art Research, Assistant Professor, Faculty of Arts, Neishabour University, Neishabour, Iran.

Email: bavandian@neyshabur.ac.ir

Hussein Kouhestani

PhD in Archeology, Assistant Professor, Department of Archeology, Faculty of Arts, Birjand University, Birjand, Iran.

Email: hkoolestani@birjand.ac.ir

ists and wisdom in architecture, were presented as a model along with a summary table.

Before reaching the results, adapting aesthetics content in traditionalism and Islamic architecture has been done in conformity with the content. In this way, the perennial philosophy makes sense in three aspects more distinct than in the past. These three aspects are objectivity (manifested in mankind), traditions (by indicators), and religion (invaded in reality).

The key to the term "reality" was selected and introduced as a common method to express the concepts between traditionalists and Islamic architecture wisdom and the needs of the modern architectural society. Because it seems that objection to the concepts of decree and philosophy on relocation will resolve the need of the contemporary architect society to benefit from the theoretical foundations of these two areas. The concept of reality has a major role in modeling and simulation technologies, including building information modeling (BIM) technology. Because all of the theories and methods used in the design process in this software are based on formation and modeling, and that is the fact of architecture. What is currently being sought is that this reality is derived from the real truth and authentic beauty that has divine roots. Meaning that the role of modern technologies is merely a tool to create the above-mentioned reality of divine beauty, reflecting the eternal beauty of the perennial philosophy.

On the other hand, we see a new perspective on the philosophy of science in humanities, including art and architecture, which is based on data theory. Meaning that, we will have a cycle of wisdom, knowledge, information and data in all sciences, in which the methods of production, interpretation and adaptation of science in them are based on two concepts. First, there are different aspects of the reality of the universe, which is a subject of various sciences. And the second is the data and its life cycle in every science. Therefore, having a model to describe and explain the process and cycle of life in any fundamental matter in science is a necessity. Having a real and data-based view means a phenomenological approach.

Therefore, the present study, by understanding the need for a phenomenological view of artistic affairs, has tried to use an ontological framework for the research method. This has led to an increase in the reliability of the research method and a significant increase in the application of the results, especially in the human view of the contemporary scholar, which is considered the traditional society as inefficient and old. As a result, the model about the aesthetics structure at the beginning of the study was completed by a scientific cycle and was presented at the end of it. This complete model is flexible concerning the changes in attitude obtained from acquiring knowledge, and it has determined the place of influence and change in cognitive processes.

In this way, it was tried to facilitate the use of its results in the field of different architecture studies, including in the fields of »design research«, »design process«, »theoretical foundations of architecture« and »evaluation« of elements and architectural contexts according to the Islamic wisdom values. This model can also be viewed as an achievement in other fields of artistic research as it can be used to enter many visible and hidden areas in art research and find the results that are similar in the process of research. It seems that the same method paves the way for achieving common content discourse and content sharing between different fields of art with architecture.

Another important point about this final model is that the process of recognition in it is not linear, and it is not occasional and an immediate matter; while it happens in a gradual evolution. It is also based on logical stages that it is not possible to enter into the next stages or achieve a full understanding of beauty, without paying attention to the results obtained in each sector.

Key Words: Traditionalism, Perennial philosophy, Pesticetics, Wisdom, Islamic

References:

- Abbasi, V(2008) .). *John Hick and Religious and Mystical Pluralism*, Qom: Maaref_e Aghli, (12).
- Afhami, R; Zaman Soltani, S. (2012). An Attitude Towards Religious Beliefs in Housing, *Ketab_e Maah_e Honar*, (174): 18-23.
- Ahmadi, B. (2020). *Truth and beauty*: Courses in Philosophy of Art, 30th edition. Tehran: Markaz.
- aleseyedghafour, S; moeinipour, M. (2017). The Objectives of the Formation of Traditionalism in the Intellectual System of Nasr. *Sepehr_e Siasat*, 4(12), 35-58.
- Ardalan, N; Bakhtiar, L. (2001). *The sense of unity : the Sufi tradition in Persian architecture*. Translator: Hamid Shahrokh, first edition, Isfahan: Khak.
- Ayatollahi, H. (2019). *The theoretic bases of plastic arts*. Tehran: Samat.
- Bahrainy, S.H(1998) .). *Urban design process*. Tehran: University of Tehran Press(UTP).
- Binay e Motlagh, M(2002) .). *Metaphysical principles of beauty and art*, in the book: Art and the supernatural, Seyed Abbas Nabavi, Qom: Daftar_e Nashr_e Maaref.
- Binay e Motlagh, S(2003) .). *Frithjof Schuon and the meaning of the beauty*. the article in " perennial philosophy ". Tehran: University of Tehran Press(UTP).
- Bordbari, F.; KHoshbin KHoshnazar, R.; Kakaie, Gh. (2018). Symbolism in sacred art from the perspective of traditional Islamic architecture relying on the opinions of Titus Burckhardt. *Journal of Architectural Thought*, 2(3), 1-14.

- Burckhardt, T. (2001). *Sacred Art in East and West: Its Principles and Methods*, Translated by Lord Northbourne, United States: World Wisdom.
- Burckhardt, T. (2017). *Principes et methodes de l'art scar'e*. Translated by Jalal Sattari, 8th edition. Tehran: Soroush.
- Cheraghi, R. (2017). *Tradition and traditionalism in architecture*. Fifth National Conference on Applied Research in Civil Engineering, Architecture and Urban Management, Tehran.
- Dekhoda, A. A. (1962). *Dictionary*, Tehran: University of Tehran Press (UTP).
- Elheyan, P; Arabian, M.R. (2018). *The influence of religion and traditionalism in the formation of ritual-Islamic cities*, Tehran. The first International Conference on Islamic Iranian city, Tehran.
- Emamijome, M; Talebi, Z. (2012). *Tradition and traditionalism from the perspective of Fridtjof Schwan and Dr. Seyed Hossein Nasr*. Elahiyat_e Tatbighi, 3.
- Ewani, Gh. (1996). *Spiritual Wisdom and Art: Collection of Articles*, First Edition, Tehran: Gross.
- Farshidnik, F. (2019). *Iranian Wisdom in Islamic Architecture*, First Edition, Tehran: Research Center for Culture, Art and Communication.
- Foster Gage, M. (2020). *Theories of Aesthetics*, translated by Ehsan Hanif, first edition, Tehran: Fekre No.
- Grotter, Y.G. (2014). *Aesthetics in Architecture*, Translators: Jahanshah Pakzad and Abdolreza Homayoun, First Edition, Tehran: Shahid Beheshti University Press.
- Guenon, R. (2009). *The crisis of the modern world*. Translated by Hassan Azizi, first edition, Tehran: Hekmat.
- Guyer, P; Levinson, J. (2014). *Philosophical Aesthetics and the History of Modern Aesthetics*, Translator: Fariborz Majidi, Tehran: Farhangestan_e Honar.
- Hashemnejhad, H. (2019). *Aesthetics in the works of Ibn Sina*, Sheikh Ishraq and Sadr al-Muta'allehin, third edition, Tehran: Samat.
- Haspers, J; Scruton, R. (2017). *Philosophy of Art and Aesthetics*, Translator: Yaghoub Azhand, Fourth Edition, Tehran: University of Tehran Press (UTP).
- Hojjat, E. (2012). *Tradition and Heresy in Architecture Education*, Tehran: University of Tehran Publishing (UTP).
- Hojjat, E. (2015). Traditionalists' Tradition and Architects' Traditionalism. *Honar-Ha-Ye-Ziba*: Memary Va Shahrsazi, 20(1), 5-16. doi: 10.22059/jfaup.2015.56367.
- Hooman, S. (2017). Traditionalism. Article In: *Encyclopedia of the Islamic World*, (24): 706-712.
- Jafari, M.T. (2002). *Beauty and art in Islam*. First Edition, Tehran: Allameh Jafari Institute (AJI).
- Javadi Amoli, A. (1996). *Art and beauty from the perspective of religion*, Tehran: Farabi Cinema Foundation.
- Johnson, M. (2020). *The aesthetics of meaning and thought* : the bodily roots of philosophy, science, morality, and art. Translator: Jahanshah Mirzabeigi, first edition, Tehran: Agah.
- Leaman, O. (2014). *An Introduction to Islamic Aesthetics*, Translated by Mohammad Reza Abolghasemi, Tehran: Nashr_e Mahi.
- Madadpour, M. (2004). *Onsi wisdom and mystical aesthetics of Islamic art* . Third Edition, Tehran : SooreMehr Publishing Company.
- Makarem Shirazi, N. (2013). *Tafsire Nemooneh* (High Interpretation of Quran), 34th Edition, Qom: Daar Al-Kotob_e Eslami.
- Mansouri, S.A; Teimouri, M. (2015). *Criticism on the Opinions of Contemporary Traditionalists in Islamic Art and Architecture*; Based upon the concept of the tradition in Definition of Islamic architecture. CIAUJ. 2015; 1 (1) :1-14
- Muhadesi, J. (1997). *Art in the realm of style (school)*, third edition, Qom: Islamic Publications Office (Jame Modarresine Hozeye Elmiyeh Qom(en-eslami)).
- Motahari Elhami, M. (2005). *Religious art in Burkhart's views*. Majalleh Farhangestan_e Honar (Khiyal), 16.
- Mughaddisi, J. (2007). *Religious Art: Art in the realm of style (school)*, Second Edition, Qom: Boostane Ketab.
- Mujtabaei, F. (2013). Iqbal Lahori, Former Religious Intellectual, *Ketab_e Maah_e Din*, (195). Tehran: Khaneye Ketab.
- Mulla Sadra, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim Shirazi. (1982). *Secrets of Verses*, Edited by Mohammad Khajavi, Tehran: Anjoman_e Eslami_e Hekmat va falsafe_e iran (dependent on : Daftar_e Motaaleat_e Farhangi_e Honar (mtif)).
- Mulla Sadra, Sadr al-Din Muhammad ibn Ibrahim Shirazi. (1989). *The Transcendent Wisdom in the Four Intellectual Books*, Qom: Maktabah Al-Mustafawi.
- Najib Aghloo, G. (2000). *Geometry and Decoration in Islamic Architecture*, Translator: Mehrdad Qayyumi Bid Hindi, Tehran: Nashr_e Rozaneh.
- Nasr, S.H. (1999). *The Spiritual Significance of Islamic Art*, Sophia, (2):141-153.
- Nasr, S.H. (2002). *Wisdom and the Holy Thing*, Translated by Farzad Haji Mirzaei, Tehran: Farzan Publishers.
- Nasr, S.H. (2004-a). *Islam and the Troubles of Modern Man*, Translator: Insha'Allah Rahmati, Tehran: Suhrawardi Publication.
- Nasr, S.H. (2004-b). *The ideals and realities of Islam*, translated by Shahabuddin Abbasi, Tehran: Suhrawardi Publication.
- Nasr, S.H. (2004-c). *The Heart of Islam*, translated by Mostafa Shahr Aini, Tehran: Hagigat Publications.
- Nasr, S.H. (2010). *The Principle of Unity and the Holy Architecture of Islam*, Tehran: Hekmat Publication.
- Nasr, S.H. (2015). *Wisdom and spirituality*, Translator: Insha'Allah Rahmati, Tehran: Suhrawardi Publication.
- Noghre Kaar, A.H. (2016). The interrelation between Islam and human processes theory of (Salam) - "Strategies, guideline, and solutions for creating and evaluating art works, architecture and urbanism". *Journal of Research in Islamic Architecture* (jria), 4 (3): 4-24.

- Noghre Kaar, A.H. (2017). **Collection of Articles on Islamic Wisdom in Artistic and Architectural Processes**, First Edition, Qazvin: ranian Students Booking Agency (isba).
- Office of Religious Art Studies. (1993). **Fundamentals of spiritual art: a collection of essays/ Articles** by Henry Corbin, et al, First Edition, Tehran: Islamic Development Organization (IDO).
- Qomi, A. (2003). **Generalities of "Mafatih Al-Jannan" with Waqf Sign**, Translator: Morteza Ahmadian, Tehran: Payam_e Azadi.
- Rahmati, I. (Translator) (2004). **Art and Spirituality** (collection of articles on the wisdom of art), first edition, Tehran: Farhangestan_e Honar.
- Rahnavard, Z. (2015). **The Islamic art wisdom**. Tenth edition, Tehran: Samat.
- Razaqi Herikandehi, H. (2016). **Investigating the phenomenon of traditionalism and its critique**. 4th International Conference on Engineering and Humanities, Ukraine.
- Roshany Paayaan, M. (2014). **Deleuze and the System of Signs in Motion - Image**, Ketab_e Mahe_e Phalsafeh, (81): 29-38.
- Sabzevari Najafi, M.I.H. (1998). **Guidance of the Minds to the Interpretation of the Qur'an**, First Edition, Beirut: Dar Al-Ta'rif lel Matboaat.
- Sartre, J.P. (2019). **Essays in aesthetics**. Translated by Reza Shir Marz, sixth edition, Tehran: Nashr_e Qatreh.
- Schuon, F. (1997). **Principles and Criteria of World Art**, Translator: Seyed Hossein Nasr, from the collection of principles of spiritual art, compiled by Ali Tajdini. Tehran: Daftar_e Motaaleat_e Farhangi_e Honar (mtif).
- Schuon, F(2002) .). **The gem and oyster of Islamic mysticism**, Translator: Minoo Hojjat, Tehran: Suhrawardi Publication.
- Schuon, F(2004) .). **Islam and the perennial philosophy**. Translator: Forouzan Raasekhi, Tehran: Hermes Publication.
- Schuon, F(2009) .). **Logic and transcendence**. Translator: Hossein Khandaghabadi, Tehran: Negah Moaser.
- Shariati Rudsari, M(2015) .). **Islamic Wisdom of Art, Booklet of Islamic Art Wisdom Training Course**, Website of the General Directorate of Islamic Culture and Guidance of Gilan, Access Date: 23/10/2019 to the address: <https://gilan.farhang.gov.ir>
- Shaykh al-Ra'is, Abi Ali Hussein ibn Abdullah ibn Sina known as Ibn Sina, (1984). **Theology of Healing**, Qom: Ketab Khane_e Ayatollah Marashi Najafi.
- Soleimani, A.R(2015) .). **Traditionalism and Religious pluralism. Philosophy of Religion**, 11(4), 715-740. doi: 10.22059/jpht.2015.53525.
- Tabatabai, S.M.H(1997) .). **Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran**, fifth edition, Qom: Islamic Publications Office (Jame Modarresine Hozeye Elmiyeh Qom(en-eslami)).
- Teimouri, M(2015) .). Critical Look on Frithjof Schuon's Views on Islamic Aesthetics. **Journal of Art and Civilization of the Orient**, 3(7), 11-18.

URLs:

- URL1. <https://gilan.farhang.gov.ir> (access date: 11/02/2021)